

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

مردم مبارز ایران با شرکت در راهپیمایی روز شنبه

خاطره قیام ضد امپریالیستی سی تیر را گرامی میدارند

● راهپیمایی تهران - ۶ بهمن از ظهر روز شنبه ۳۰ تیر از دانشگاه تهران بطرف میدان توپخانه قدم

... و هفت سال پیش درسی ام...
سرماه ۱۳۰۱ سپید ما شاهد قیام شکوهمند
خلیج فارس بودیم که ما را با
اسرائیل - سوریه امپریالیسم انگلستان
و عوامل داخلی آن قوام السلطنه و دربار

گذشته از یادآوری هاوار خودگذشتگی هائی
که مردم از خود نشان دادند...
سختی با عظمت و جدت و یکپارچگی
خلق ایران در مقابل امپریالیسم و ارتجاع
بقیه در صفحه ۸



تیرگی های ساندنیست آخرین بقای رژیم سرسورده آمریکا را درهم شکسته و می روند تا با اختتام جامعه نویینی را پایه گذاری کنند.

امپریالیسم آمریکا و عوامل آن همه تلاش خود را برای نابودی انقلاب ایران بکار گرفته اند

سطحهای فروزان خصم انقلابی ستمکشان در سراسر ایران ریانه می کنند و اسرری
سنگران کارگران و زمینکشان را چون صاعقه های بنایی بر فرو امپریالیسم و ارتجاع
می کوبند. امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و عوامل آن همه قدر
خود را برای خاموش کردن آتش فشان خروشان انقلاب که از دل های پر کینه مسلوبینها
زن و مرد ستمکش ایرانی نیرو می گیرد بکار گرفته اند و همه توان خود را برای نابودی
نورات انقلاب مردم ستمدیده ایران بسیج کرده اند.
امپریالیسم آمریکا از یک طرف برای ادامه غارت و جباول نیروی کار و منابع
طبیعی خلیج فارس، دم از اعزام نیرو به خلیج فارس و اسفان جاههای نفت
ایران می زند و برای سرکوب کارگران و زمینکشان ایران و جلوگیری از ادامه مبارزات
آنان نیروی ویژه تدارک می بیند و از سوی دیگر همه دستگاههای جاسوسی و رزید
خود را برای جلوگیری از وحدت کامل کارگران و زمینکشان ایران بسیج کرده است.
اس روزها در تالارهای وزارت دفاع و وزارت خارجه آمریکا و در انبای درسیه
سازمان " سیا " و سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) نقشه ها و بوطه های دوسو و
بقیه در صفحه ۲

مصاحبه با کارگران و اعضاء شورای کارخانه کبریت سازی توکلی تبریز

در صفحه ۵

کارگران دخانیات:

دولت تولیدات داخلی را کاهش داده، سیکار خارجی وارد میکند

کارگران دخانیات می گویند:
دولت کارخانه های تولید سیکار داخلی را به صورت سهم معضیل بر آورده،
کارگران را اخراج می کند و در عوض روزانه دهها هزار کارتن سیکار خارجی وارد
می کند. مگر این سیکارها ساخت کشورهای آمریکا و اسرائیل نیست؟ پس چرا دولت
بدین وسیله اقتصاد کشورهای امپریالیست و صهیونیست را تقویت می کند؟
بقیه در صفحه ۸

گزارشی از مراسم بزرگداشت روز ۲۳ تیر، روز نفتگران

گرامی داشت روز ۲۳ تیر از طرف
کارگران پیشرو در سالن ورزشی دانشگاه
شریف با حضور هزاران نفر کارگر و
زمینکش برگزار شد.
روز خونین ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵
کارگران مناطق نفت خیز جنوب که بالغ
بر صد هزار نفر بودند خواستار قطع نفوذ
کمیاتی نفت در امور سیاسی ایران و
بقیه در صفحه ۲

پیام جنبه خلق برای آزادی فلسطین

به مراسم بزرگداشت شهدای اعتصابات نفتگران ایران
از طریق سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

وقتی در ماستی یاد شهیدان
حوش را از می نیم و به راهی که آنان
بدم گذاشته و به نهالی که با خون گریختن
آبشارش کرده اند می نگرم، اسوارتسر
از پیش خود را برای ادامه نبرد تا پیروزی
آماده می کنیم و این امر اعم از فلسطین تا
ایران، در همه حاصدی می کند.
اعتصابات رزم گویه کارگران صنایع
بقیه در صفحه ۲

طرد و اخراج عناصر ضد مردمی نشانه اراده توده ها است

پس از قیام بهمن مسئله پاک سازی
و طرد عناصر ضد کارگر و ضد خلق در سطح
جامعه، در کارخانه ها، روستاها و ادارات
دولتی مطرح شد. این مقاله می گویند
به بررسی کوتاهی از این مسئله که اینک
نیز همچنان موضوع روز است، بپردازد.
بشروع مجدد کار، کارگران که
می خواستند تمام آثار رژیم شاه را نابود
کنند و امکان به بیراهه کشیدن انقلاب
را از بین ببرند، مسئله تصفیه و پاکسازی
را مطرح کردند. زیرا آنها می دانستند
عامل و باعث اختناق رژیم سابق تنها شاه
و درباریان نبوده اند، بلکه شبکه وسیعی
از همین مزدوران خود فروشان، آن
فضای خفقان آور را به وجود آورده بودند.
به همین دلیل شوراها کارگری، تصفیه
و پاکسازی را در دستور کار خود قرار دادند.
تا اینکه در روز ۲۹ اردیبهشت، نخست وزیر
دولت موقت طی مصاحبه ای اعلام کرد
که کمیته های اعتصاب و شوراهای چگونگی
تصفی در اداره کارخانه ها ندارند و به این
ترتیب گوشید از اخراج عناصر سرسپرده
رژیم پیشین جلوگیری کند و این کار از
جنبش دولتی بعید نبود.
ولی طبقه کارگر که مبارزات
بقیه در صفحه ۱۱

سام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به جنبه آزاد بخش ساند نیست و دولت موقت انقلابی خلق نیکارگونه

رفقای رزمیده!
بسمانه سانسیت بیروزی های
درخشانان غنم رژیم خائن " سوموزا " متشکران
علیه امپریالیسم بین المللی
اس مزدور سرسورده امپریالیسم آمریکا
به سرکردگی آمریکا و مزدوران داخلی شان
و به مناسبت اتحاد دولت موقت انقلابی
می توانند و باید هر چه مستحکمتر شود. ما
صیغانه تیرگی می گوئیم.
بقیه در صفحه ۱۰

از این هفته نشریه کار در ۲ شماره منتشر می شود

هموطنان مبارز!
با توجه به اینکه می دانیم بعضی واحدهای روزنامه ای ده بنیواند در جنبه
سرد آرمیها و اهداف کارگران، دهقانان و زمینکشان کام بردارد، بر آگاهی
آنها بفرزاید و در رد و کسری مبارزاتشان مومر باشد، به ویژه در شرایط حاصر
صورت سار ریادی دارد. اما نشریه کار هنوز از نواقص و کمبودها مبرانست و نتوانسته
است آنگونه که انتظار داریم به این شماره ها پاسخ گوید. هر چند مفضلن هشتم تلاش
حسکی نامذیر رفقا و هم منهای مبارزه ما را در تهیه نمودن مطالب، گزارشات،
و اخباری می رسانند. می توانم نوامبر آگهی کرده به عنای بیشتر نشریه
بفرزاید. با همانگونه که در نخستین شماره نشریه کار گفته بودیم، بخاطر ارساط
نزدیکتر با هم. (در ۱۰ شماره ۱۵ و ۱۶) منتشر کرده و تلاش خواهیم کرد
نشریه کار را در دو (ده) شماره ۱۵ و ۱۶ منتشر کرده و تلاش خواهیم کرد
در آینده با کمک شما در ادامه نبرد هر چه بیشتر کیفیت آن بگوئیم. همچنان لازم
بوصح است که بدعت تغییراتی که در صفحات صورت می گرد حجاب مقالات برویجی
در شماره آینده ادامه خواهد یافت.

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

چه کسانی از اتحاد و همبستگی کارگران در هراس هستند

جهت در انقلاب شرکت کنند و بسی در این حال منافقان با منافع زحمتکشان بطور اعم و کارگران بطور اخص در هراسند. این دسته از سرمایه داران، تجار و کسبه و اداریهایی مرفه و قشر متوسط جامعه است که متأسفانه در حال حاضر این دسته اول در بین کارگران به نفاق افکنی و سبب مبادرت می ورزند. اما دسته سوم افرادی شخصیت و فرومایه که تا دیروز مدافع رژیم بودند و امروز بایک عقب گرد ۱۸۰ درجه خود را در قالب اسلام خازنه و از این طرف دست به چاپلوسی و مداحی زده اند. اینها نه در گذشته صادق بودند نه حالا. این فرومایگان و مفرضان همانند موریانه ای هستند که به هر طرف روی آورند آن را از داخل می خورند و به تپاهی می کشند. اینان همانند میکروب چون در محیط سالم و آزاد امکان رشدشان بواسطه بی شخصیت بودن کم است لذا همیشه بی کوشش محیط ناسالم و محیطی پرازدستی و آزار به وجود آورند تا بتوانند به زندگی ننگینشان ادامه دهند. اینان دانسته پانداخته کارگران دودستند فوق الذکر هستند و همچنین خائنین به طبقه خود. اینان هر کسی را که از اتحاد و آگاهی دادن به حقوق کارگر دم بزنند به اتهام "کمونیست" بودن می کوشند. او را از سایر کارگران جدا سازند و مانع رشد فکری کارگران شوند. من فکری کم یک کارگر آگاه و فهیمه هم اسلام را بهتر تشخیص می دهد و منافع طبقه خودش را و این چیزی است که هم این اشخاص بی شخصیت و خود فروخته از آن بیخبرند و هستند و هم آری با نشان که اینها را می پروراند. اما

امپریالیسم آمریکا و عوامل...

حساب شده علیه مبارزات خلقهای ایران تهیه شده و در دست تهیه اند. مابارها گفته ایم و بازمی گوئیم که یکی از کثیف ترین هدفهای امپریالیسم منحرّف ساختن مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی خلقهای ایران از طریق ایجاد نفاق میان مردم استمدیده و برآه انداختن جنگهای داخلی و برادر کشی است. ایجاد تقویت گروههای شبه فاشیستی فشار، تلاش برای احيای شیوههای پلیسی گذشته، جلوگیری از درگیری در ارتش و احيای آن به شیوه پیشین، ترویج روشهای خشن و تروریستی، ایجاد کانونهای آشوب که ادامه آن خطر جنگ داخلی را افزایش می دهد، پخش اخبار یکجانبه و تحریک آمیز، توطئه بر علیه سازمانهای انقلابی و مبارز... همه و همه اجزای بهم پیوسته نقشه حساب شده و ماهرانه ای است که امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برای جلوگیری از اتحاد کامل کارگران و زحمتکشان ایران، منحرّف ساختن مبارزات ضد سرمایه داری وابسته و ضد امپریالیستی مردم و به شکست کشاندن انقلاب ایران تدارک دیده و اینک بسادقت تمام و کام به کام به کمک عوامل خود و با تکیه بر ناآگاهی برخی از مردم که خود قربانی سالهای سیاه سلطه امپریالیسم هستند، به مرحله اجرا در آورده است.

خلقهای ایران، کارگران، دهقانان و نیروهای انقلابی ایران تنها در سایه وحدت راستین خود و حفظ هوشیاری انقلابی خویش خواهند توانست مبارزات ضد امپریالیستی خود را تا محو کامل سلطه اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی امپریالیسم به پیش برند.

تجربه مبارزاتی خلقهای زیر سلطه جهان به ویژه تجربه مبارزات اخیر مردم قهرمان ما به خوبی نشان می دهد که اگر توطئه های امپریالیسم به موقع افشا شود و اگر اتحاد همه کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی ادامه یابد همه تجاوزگران مزدور امپریالیسم و همه سلاحهای پیشرفته دشمن در درباری بیکران خشم انقلابی تودما غرق خواهد شد.

بکوشیم تا همه توطئه گران و همه دشمنان انقلاب ستکشان را افشا کنیم و صفوف متحد کارگران، زحمتکشان، پرسنل انقلابی ارتش و نیروهای انقلابی را تحکیم بخشیم.

گزارشی از مراسم بزرگداشت...

که به کارگران می گوید شفافیت و نلیفیه دانستید که با اعتمادات کمر شکن خود ریزی بپهلوی راه خاک سپارید و اکنون دیگر باید به کارخانه ها و کارگاهها پتان برگردید. در این روز صفر نظارت از پیمانهای که خوانده شد پیمانهای متعددی به کارگران پیشرو از جانب سازمان چریکهای فدائی خلق "نشریه پیشواز، پیام کارگران پیشرو صنایع فولاد اهواز، گروهی از کارگران کارخانه مینو، کارگران منطقه اصلاح کارکنان پیشرو صنعت نفت اهواز... رسید. طی مراسم، یک گروه تحریک شده نخست سعی کردند وارد سالن شوند که با مقاومت کارگران و انتظامات مواجهه شدند. پس از پایان مراسم هنگام ترک محل همین افراد با چاقو به طرز قبحانه ای به شرکت کنندگان هجوم آورده و چند تن را مجروح ساختند. شیوه کارگران در تمام مدت مراسم که تا ساعت ۵ به طول انجامید به منظور عدم برخورد و حوادث ناگوارتر، صبر و شکیبایی بود.

نامه یک کارگر زن: مراجعه برای استخدا م

صبح روز ۲۸ خرداد برای استخدا م به کارخانه ری، او، واک واقع در کیلومتر ۸ جاده کرج رفتم. دم در تلفنی پرسیدند که آیا کارگری می خواهید یا نه؟ گفتند بلی و همراه یک کارگر فرستادند کارگر زنم و مرا نزد خاتمی بردند و او با محبت مرا نزد خانم دیگری که خیلی ناراحت به نظر می رسید برد. خانم اخموی مقدمه شروع کرد که روزی ۲۲ تومان میدن - ۳۰۰ تومان حق میکن. حق خواربار یک پنجاه درمیان تعطیل است، باید یک سال اینجا کار کنی و الا یک ماه از حقوق کسری می شود. حرفش که تمام شد کسری کرد پرسید چرا می خواهی کار کنی؟ گفتم تا من نمی شویم. شوهر داری؟ گفتم بلی. گفت - حامله هستی؟ گفتم نه. گفت بچه داری؟ گفتم نه. گفت شوهرت چهار ماه است و کجا کار می کنی؟ گفتم که آدرس را بلد نیستم خوشش نیامد. و شروع کرد به برگردن فرم که تا فهمید شن کلاسی سواد دارم گفت: با چاقو زودتر نگفتی و کاغذ را جلو م برت کرد و گفت سبب برنشتن سرور و بنوش با حالت خیلی تحقیر آمیزی این حرفها را زد. فرم را برداشتم و رفتم به بیرون. سوالاتی که نظرم را جلب کرد، یکی این بود که آیا حاضر هستی کارهای سخت را انجام بدهی و آیا زندان بوده ای؟ و دیگری سفر معروف می خواستند که از سنگسار نشاند. این قسمت را الکی پر کردم. یکی از عرف هار هم بنگار ذکر کرده بودم. به هر حال مرا نزد مرد سمار چاقی بردند و او خواند. گویا موافق بود و قرار شد که یک رضایت نامه از طرف شوهرم بپریم. کارم تمام شد. مرا با بیرون فرستادند که منتظر بمانم. این انتظار حدود یک ساعت طول کشید و دست آخر آمدند و شماره تلفنی دادند که فردا تماس بگیرم. فهمیدم موافقت نکرده اند. برای آنها روز بعد تلفن کردم و گفتند کارگر نمی خواهند می خواهم بدانم آیا ساواک لیستی برای شناسایی افراد داده است که آنها هنوز همان سیستم حفاظت برقرار است؟

نامه گروهی از کارگران نساجی شماره ۲: تگدارید عناصر مرتجع به داخل کارخانه نفوذ کنند

زربه اشخاص فرصت طلب و ضد مردمی اجازه دهیم که در امور ما دخالت کنند پس از مدتی متوجه خواهیم شد که اشتباه بزرگی کرده ایم. پس از مدتی متوجه می شویم که اگر حرف اضافه ای حقوق و کلمه حق بزیم نوک مسلسل ز ۳ جلوی دهانمان است. ما ز شاه خائسن و ساواکش نرسیدیم. بنابراین از نفوذ چنین عناصری به داخل کارخانه تا پای جان مقاومت خواهیم کرد.

برادران و خواهران کارگر ما کارگران باید به فکر آینده خود باشیم. چون در زمان گذشته به قدر کافی زیر فشار ساواک و ساواکی ها قرار گرفتیم بودیم. در حالی که دیگر تحمل آن برای ما کارگران ای شکل و خارج از انتظار است. معنی دیگری نخواهیم گذاشت عده ای فرصت طلب به خاطر موقعیت بدست آمده خویش و به خاطر منافع شخصی خودشان نفاق برچهره برینند و خود را به ظاهر دوست و طرفدار کارگر جا بزنند ولی در باطن همان روش ساواکی ها را در پیش بگیرند. اعمال جنس اشخاصی از نظرم ما حکومت است. ما دیگر نمی گذاریم عوامل ساواک ما را تحت کنترل داشته باشند. البته جای بسی تأسف است که ساواک کارگران هنوز از فکر و اندیشه خوبی برخوردار نیستیم.

خواهران و برادران کارگر آری در کارخانه ای که ۴۰۰ کارگر مشغول به کار هستیم نباید اجازه داشته باشیم به اراده خود از بین خودمان مانده انتخاب کنیم و در سبک متشکل شویم؟ یا اینکه با زهم مثل گذشته باشد سر خود رایا پسین انداخته به حشر نمایندگان فرمایشی و با شورای فرمایشی عمل کنیم و یا اینکه هر کسی برای حقوق ابتدایی و صنفی خود حرف زد، ضد انقلاب است؟ چرا؟ ما انقلاب کرده ایم که آزاد باشیم. انقلاب کردیم تا از حقوق و حقوق خود دفاع کنیم. نه اینکه بک عده افراد ذنبق که ماسک مومن بودن وریش

پیام جنبه خلق برای آزادی فلسطین به مراسم بزرگداشت

برای اولین بار در خاور میانه ما به تحکیم قاطع زحمتکشان از امپریالیستهای خلع بد شومی رفت تا به روزی بزرگ رنجبران ایران بردشمان ملی و ملیتشان با هم بریزی شود که توطئه شوم امپریالیستی ارتجاعی ۱۳۳۲ (۱۹۵۳ م) با استفاده از پراکندگی نیروها و به ویژه فقدان رهبری انقلابی بر آنها وارد کرد حکومت سیاه سلطنت وابسته به امپریالیسم را برقرار و دولت ملی مسدود را سرنگون کرد. تجربه تلخ شکست مبارزات ملی خلقهای ایران در آن مقطع، امروز بعد از این همه تلاشهای قهرمانانه با وضوح تمام خود را در مقابل نسل کنونی انقلاب و مبارزه قرار داده است.

ما همزمان با امید فراوان به توانایی و درایت خلقهای ایران در زمینه درس گیری از آن تجارب خونین ناچاراً بهم خوشتر است نیز از توطئه هائی که در کمین انقلاب شما

همه صنایع و شرکتهای وابسته باید ملی شوند

کارگران صنایع چوکا:

دولت مدیون اخراج شده رادوباره بازگرداند

رشت - مجتمع صنعتی چوکا که در حوالی رسوان شهر (منطقه پالنگیلان) واقع شده یکی از تأسیسات صنعتی بزرگ ایران است که زیر نظر دولت و با ۴۰۰ نفر کارگر و کارمند کار می کند. این کارخانه ماهیاست به صورت نیمه تعطیل درآمده است. ماشین های قسمت کاغذ سازی این مجتمع از کانادا وارد شده و توسط کانادایی ها نصب شده است. بعد از رفتن آنها این قسمت به صورت غیرقابل استفاده درآمده و بعضی از قسمتهای دیگر به علت کارشناسی مدیران قبلی (مدیران قبلی کارخانه توسط کارگران اخراج شدند ولی در تهران در دفتر شرکت کار می کنند) از کار افتاده است. بنابراین کارخانه که کار می کند قسمت چوب بصری است. کارگران مدتهاست که بیکارند. به همین خاطر روز شنبه ۱۷ تیرماه ۵۸ تمام کارگران کارخانه جمع شدند و خواستار به کار افتادن کارخانه شدند. آنها مهمترین خواسته های خود را بدین شرح اعلام داشتند:

- ۱- کارخانه باید شروع به کار کند و جلوی کارشناسی عناصر سدکارگردان دفتر مرکزی تهران گرفته شود.
- ۲- ما خواهان دادن قدرت اجرایی به شورای کارخانه می باشیم.
- ۳- حقوق ما به موقع پرداخت گردد. الان در حدود ۲ ماه است که

۲۵۰۰ کارگر کارخانه پوشش مدیران مزدور را اخراج کردند

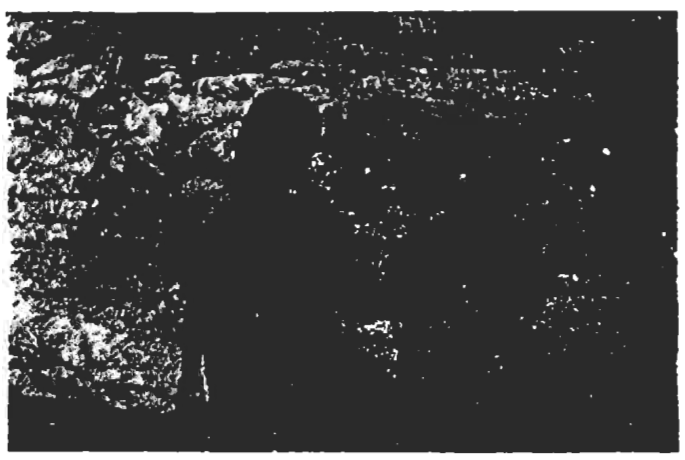
رشت - ۲۵۰۰ نفر کارگران کارخانه "پوشش" رشت که متعلق به سازمان گسترش صنایع است برای رسیدن به خواسته های خود از تاریخ نهم خرداد دست از کار کشیدند. کارگران این کارخانه که خواسته هایشان را از یک ماه پیش مطرح کرده بودند به دلیل بی نتیجه ماندن مذاکراتشان با نماینده وزارت کار اقدام به اخراج پنج تن از مدیران "سدکارگز" کارخانه کرده و طرح ۴۰ ساعت کار در هفته را نیز به مورد اجرا گذاشتند. تاکنون مذاکرات شورای کارخانه ادامه یافته و دولت که برای نظارت بر کارخانه فرستاده شده نتایجی نداشته و این صحنه برای رسیدگی به خواسته های کارگران به کارخانه آمده است. در واقع همان حرفهای تاریخهای سابق را می زند و باز بر فشار گذاشتن شورای کارگران کارخانه می کشد. مدیران اخراجی را که ندیده بودند نیز کارگران هستند و طبعی انقلابی و سوسیالیستی دارند. کارگران واحد بهره درصوف متحد مبارزات کارگران حوراب باقی علیه کارفرما

- ۱- صدور حکم هابرای سال ۵۸ طبق طرح پیشنهادی شورا.
۲- استخدام دائمی کارگران موقت
۳- پرداخت حق خواربار و حقوق مسکن به کارگران طبق پیشنهادی کارگران
۴- ۴۰ ساعت کار در هفته.
روز شنبه ۱۵ تیرماه مجمع عمومی کارگران با حضور نماینده دولت و کارفرمای جدید برگزار شد.
وی با خواسته های کارگران به جز اخراج ۵ مدیر سابق و ۴۰ ساعت کار در هفته موافقت کرد.
کارگران بیکار چه و متشکل خواهند اجرای تمام خواسته های خود شده اند.



مبارزات کارگران حوراب باقی علیه کارفرما

رشت - کارگران شرکت تولسی بالموران (فدا) که از روز شنبه - ۱۰ خرداد دست از کار کشیدند و از تولیدات کارخانه جلوگیری کرده اند به دلیل بی نتیجه ماندن مذاکراتشان با کارفرما همچنان به اعتصاب ادامه می دهند. کارگران شرکت بالموران که سنگ کارخانه حوراب باقی است به دلیل روس صدکاری کارفرما حاضر به بازگشت سرکارهایشان نیستند. کارگران اجتماع اسرورای کارخانه حوراب احزابی طرح طبعه سدی معارضه دادند ۵۰۰ هزار تومان وام به کارگران و پرداخت ماهه التفاوت حقوق به ماه گذشته نشان می باشد و تصمیم گرفته اند تا رسیدن به این خواسته ها به اعتصاب ادامه دهند.



استفاده از کار کودکان يك اقدام ضد انسانی است

در جامعه سرمایه داری استفاده از کار کودکان یکی از شیوه های متداول و مرسوم است. سرمایه داران کودکان را به کار و می دارند و با پرداخت مزد بسیار ناچیز و استثمار و حیثانه کودکان بودهای هنگفتی به جیب می زنند. یکی از نمونه های استفاده از کار کودکان در کشورها به کار کودکان در مراکز صنعتی و کارخانه های بزرگ است. این کودکان در ساعات دراز به کار و می دارند. کار این کودکان حمل و نقل مواد شیمیایی است که در تهیه کل حفاری مسودر استفاده قرار می گیرد. این مسودر در کیمه های ۲۵ کیلوگرمی سته بندی شده و حمل و نقل این مواد شیمیایی توسط کودکان باعث مبتلا شدن آنها به بیماریهای خطرناک می شود. به علاوه این کودکان هیچگونه امکانات رفاهی ندارند. از نظر ایمنی فاقد دستکسی

مسئولین شبيلات برای سرکوبی کارگران از ماموران زاندارمري بندزترکمن استفاده کردند

آشوراده (بندزترکمن) - از صبح روز شنبه ۳ تیرماه تمام کارگران شبيلات ناحیه ۴ شمال دست از کار کشیدند. کارگران به سبب بی کارگري و کارمندان بوهمنین عدم پاسخگویی مقامات مسئول خواسته هایشان معترضند. کارگران می گویند: حق نوار مرزی باید به کارگران پرداخت شود ولی وزارت کار اعلام نموده فقط کارمندان از این حق برخوردارند. از طرفی مسئولین شبيلات آشوراده برای اینکه نفاق در بین کارگران بیندازند عده ای از کارگران را هم به عنوان کارمند قلنداد نموده اند. این عمل مورد اعتراض کارگران قرار گرفت و آنها در مقابل اداره شبيلات متحصن شدند. مسئولین شبيلات برای سرکوبی کارگران از ماموران زاندارمري استفاده کردند. ابتدا فرمانده زاندارمري بایک درجه دار به محل آمد ولی وقتی دید حرفش روی کارگران تأثیری ندارد و کارگران از تهدیدها

جماداران با کمک اداره کار و کمیته، مجمع عمومی کارگران را برهم زدند

اصفهان - کارگران بیکار پروژه ای اصفهان طی قرار اعلام فعلی جهت تشکیل مجمع عمومی صبح روز پنجشنبه ۱۴ تیرماه ۵۸ در خانه کارگر اصفهان اجتماع کردند. تا آنکه از ۱۵ روز قبل دعوتنامه در سطح استان بچشم رسیده و به تمام مراجع مسئول اطلاع داده شده بود ولی عناصر مرتجع شناخته شده که سابقه سدکاریشان برای همروسی شده است مانع برگزاری اجتماع شدند. نماینده اداره کار اصفهان نیز با عناصر مرتجع همصدا و با وجود اینکه ۱۵۰۰ کارگر در سالن خانه کارگر حضور داشتند. اعلام نموده که تعداد کارگران جهت رسمت مجمع عمومی کافی نیست. مگر کارکنانی برای کارگران صادر شده بود

۱۵۰۰ کارگر شرکت ساختمانی آبادانا حق خود را میخواهند

تهران - پس از ۵۵ روز کارگری شرکت آبادانا در محل بانک رهتی تهران تعهض کردند و خواستار پرداخت شش ماه حقوق عقب افتاده (ازدی ماه ۵۷) افزایش مرخصی تالیانه و حق اولاد شدند. صاحب کار شرکت، فرانسوی است که از ایران خارج شده لیکن اعتبار شرکت از جانب بانک رهتی تهیه شده. تعداد کارگران شرکت قریب ۱۵۰۰ نفر می باشد. شرکت آبادانا در امور ساختمانی و اتوبان سازی فعالیت می کند و کارگران

فقط با قطع کامل وابستگی به امپریالیسم است که میتوان صنایع، بانکها و شرکت های وابسته را

قصه گاو بزرگ

داستان زیر نوشته رفیق شهید غلامرضا گلوی است.
رفیق گلوی در سال ۱۳۲۶ در زابل به دنیا آمد. پدرش درجه دار بود. در سال ۱۳۴۵ در رشته تاریخ دانشگاه مشهد ثبت نام کرد. پس از آشنایی با رفیقان شهید حمید توکلی و بهمن آژنگ فعالیت سیاسی را بطور پیگیر آغاز کرد و در سال ۱۳۴۹ جزو سه نفر اعضای هسته مرکزی شاخه مشهد بود. در بهار ۱۳۵۰ از زندگسی مخفی را آغاز کرد و به تهران آمد. در شهریور ماه همین سال بطور اتفاقی در خیابان شناسایی شد و به وزارت درخمان در آموذ در تاریخ ۱۱ اسفندماه ۱۳۵۰ در کنار رفیق کبیر مسعود احمدزاده و چهار رفیق دیگر در برابر جوخه اعدام ایستاد. رفیق گلوی دارای روحیه‌ای بسیار پر شور و پرتحرک بود. حتی در اسارت و در سخت ترین شرایط نیز می‌کوشید با شوخی‌های خود دیگران را سرگرم کند و روحیه همه را بالا ببرد. این داستان او با نام مستعار در فروردین ۱۳۵۰ در مجله بوزیک ایران (شماره ۵) به چاپ رسیده است. البته رفیق خود می‌گفت که داستان را در دوره دبیرستان نوشته‌ام و آن را جدی نمی‌گرفت. اما تنها به عنوان فتح حساب در زمینه چاپ داستان و آثار داستان گونه در این صفحه‌نامه و یاد رفیق گلوسی آثاری کنیم. کاش این رفیق اکنون در کنار ما بود و می‌دید که چگونه خلق قهرمان و بتنام (که در این داستان در وجود "سپرک" تجلی یافته) سرانجام به پیروزی رسیده و چگونه در میهن ما نیز این " گاو بزرگ " هدف حمله قهرمانانه مردم فرا گرفته است.

داستانی برای برویجه ها

یکی بود، یکی نبود. یک گاو بود که دو تا شاخ بزرگ و تیز داشت و از صدای (قدمهای) سنگینش هم می‌ترسیدند و هر وقت حرکت می‌انداخت همه روم می‌کردند. عادت همشگی اش این بود که موقع غذا خوردن همه را فراری می‌داد و بهترین علف را که مال دیگران بود می‌خورد. از هر موقعی برای بلعیدن غذای دیگران استفاده می‌کرد. موقع دعوا یا مساجی می‌شد و طرفین وقتی متوجه می‌شدند که او برایشان چیزی نگذاشته بود. این گاو توی مراغ همه می‌رفت و لگد کوبش می‌کرد و فصولات می‌انداخت. بعضی‌ها هم برای اشکه به مردم به میمانند که با گاو سروی دارند فصولات را خشک می‌کردند و به درود و اورا خانه شان آویزان می‌کردند و از عفت آن نمی‌ترسیدند و عده‌ای هم که صدایشان در می‌آمد با شاخ‌های تیز او طرف می‌شدند. هیچکس نمی‌توانست در مقابلش ایستادگی کند مگر قبلی کدر سرزمینهای دیگر زندگی می‌کرد و دندانهای بلندش داشت. گاو از آن قبلی خلی می‌ترسید و به همین جهت مال دیگران را می‌خورد و ناچار تر و قویتر شود که اگر روزی نبل به سراغش آمد بتواند از خود دفاع کند و با گاو اسامد خودش حمله کند. البته علت مخالفت او با قبلی این بود که قبلی نمی‌خواست گاو مال مردم را بخورد.

این گاو البته به مردم کمی شیر می‌داد ولی در حقیقتش از آنچه کسی داد می‌گرفت و ذخیرو می‌کرد. خانه‌اش پر از علوفه بود. علوفه را توی زیرزمین خانه‌اش قایم می‌کرد و روزی آن را می‌پوشاند تا کسی متوجه نشود. آنها را برای روز مسادا نگه داشته بود.

گاو تا می‌توانست خود را علیه قبلی مسلح می‌کرد و شاخ‌هایش را به درود و سوار می‌مالید تا تیزتر شود. وقتی از قبلی صحبتی می‌شد از کفتن هیچ بد و بیراه می‌انداخت. هر وقت کسی از منطقه نبل می‌آمد و او را به خانه اش دعوت می‌کرد و اخباری کسب می‌کرد و بعد پس مردم به غلط بچس می‌کرد که قبلی چنین و چنان است. مردم هم به واسطه گفته هاس از قبلی متنفر بودند. اما همه می‌خواستند که برای یک دفعه هم که شده قبلی به سرزمین آنها بیاید تا نزدیک او را ببینند. اما گاو هم مثل همه موجودات کنکاوای عجیبی داشت. همیشه وسوسه نزدیک شدن به سرزمین قبلی و دیدن او آزارش می‌داد. اما به هیچ وجه به اطرافش اجازه نمی‌داد به سرزمین قبلی نزدیک شوند یا او را ببینند. گاو به همه حاسری زد. بسه

برای اینکه گاو بزرگ کاملاً از بین برود باید راه کشتزارهایمان را به روی او ببندیم تا دیگر فصولاتش را اینطرف و آنطرف نبینیم و بسوی خفه کنند هاش را نشنویم.

همین جهت بود که در پایش همه جا به چشم می‌خورد و فصولاتش همه جا آویزان بود. در آن سیر و سیاحت بعضی اوقات مجبور می‌شد تا گاو را مشاهده کند. اگر کسی زورش می‌رسید متوجه می‌شد که گاو را غیب می‌نشد. اما کمتر عقرب نشینی می‌کرد برای اینکه زورش از همه حرفان بیشتر بود و این امر باعث آن بود که از همه بیشتر می‌خورد و به دیگران مجال خوردن یک وعده غذای کافی را هم نمی‌داد.

یک روز که گاو به قلمروی قبلی نزدیک شده بود به مزه‌های برخورد که سرکسی زرد و مردنی از آن حفاظت می‌کرد. به عادت قبلی داخل شد و می‌خواست مشربلی هسته هر چه می‌خواهد بکند. اما سپرک هم نمی‌خواست به او چنین اجازه‌ای بدهد به همین جهت ناچوب و سنگ به جنگ او آمد. گاو که اصلاً انتظار چنین عملی را نداشت عصبانی شده طرف او حمله برد. سپرک تا وقتی که گاو به او نزدیک بود به طرفش سنگ می‌انداخت و وقتی نزدیک می‌شد فراری می‌کرد و قایم می‌شد. از سر و صورت گاو خون جاری شده بود. شاخ‌هایش تیزی خود را از دست داده بود و به عرق هایش آرمز شده بود. حسته و گوشت به کنار حوی آب رفت. کمی آب خورد و بعد هم مشول چریدن شد ولی هنوز نم‌سز نشده بود که ناز و روگله سپرک پیدا شد. اینبار فلاختی دردست داشت. گاو عصبانی تر از پیش به او حمله و رشندولی باز مثل قبلی پس از اینکه چند سنگ بر سرش آمد سپرک ناپدید شد گاو که منفعل شده بود به گونهای رفت تا یکی استراحت کند ولی طولی نکشید که از ضربات سپرک از حساب برید. به جالاک می‌طرف سپرک خیز برداشت. شاخش به به پهرن پاره او گیر کرد و پاره ترش کرد و یک گوشه از شکمش را زخمی کرد. اما سپرک با سرعت روی درختی که نزدیک او بود برید و از آنجا به طرف کاوشنگی می‌انداخت. گاو هم سبهوده سرش را به درخت می‌کوبید. تا دخبال داشت آن را از سرش در آورد.

این زد و خورد هنوز هم ادامه دارد و ما که در سرزمین دیگری زندگی می‌کنیم فریادهای درد آلود گاو را می‌شنویم و به نظری رسد که شاخش هم خیلی کند شده باشد. اما در همه حال فریادهایش را بلندتر کرده است و همین باعث شده کسان دیگری هم که گاو علوفه شان را در دیده است به کمک سرک بشتابند. گاو اگر چه عر و تیز زیادی می‌کند ولی خوب معلوم است که سباز مدت کمی برای هم نشنیدند. بدای. حقه خواهد شد، چرا که در سایر نواحی هم که از سرزمین سپرک خیلی دورتر است بر علیه او مسلح شده‌اند. علت اینکه گاو این همه برزور است و هنوز هم مقاومت می‌کند این است که از سرزمین هاشی نظیر سرزمین ما علوفه‌های زیادی به او می‌رسد. بنابراین برای اینکه کاملاً از بین برود ما باید راه کشتزارهایمان را بسوی او ببندیم تا دیگر فصولاتش را اینطرف و آن طرف نبینیم و بسوی خفه کنند هاش را نشنویم.



این شعره مناسبت سالروز درگذشت مصدق در اسفند ماه گذشته سروده شده است. و اکنون به مناسبت فرارسیدن روز تاریخی "۳۰ تیر" آن را چاپ می‌کنیم. کوشش ما بر این است که در مناسبت‌های گوناگون برخی اشعار رسیده را چاپ کنیم. حتی اگر تمامی مواضع و منارهائی که در مقالات گذشته طرح کردیم در آنها رعایت نشده باشد.

زنگ خطر

بچه ها، گوش کنید
نکته اینجاست که بارفتن شاه
و نظام " طاغوت "
باز هم بانگی بشنوم در این ویرانه
بازاران حبله
در پی غفلت ماست
که مگر بار دگر
از طریق معمول
- دیپلماسی و سب-
لااقل تا ۲۰۰۰
که به پایان رسد این قرن عجیب
با فروش فانتوم
موشک و جنگ افزار
ز خطر حفظ کند " آزادی "
و یگانه ما را
در " جهان آزاد "
تا کندن غارتان بیش از پیش.

بچه ها
وقت ما کوتاه است
زنگ شاید بخورد
بچه ها، بشناسید
دشمن آزادی
دولت امریکاست
و دگر پارانوش
ترکای " ناتو "
حربه عمده سرکوب ملل
که به آنها گویند
سلطه جوان جهان خوار بزرگ
نونها لال عزیز!
درس امروز شما پایان یافت
تاد باشید، موفق باشید.

ناظم مدرسه گفت:
بابا، وقت زنگ است.
بچه هامی گفتند:
حالا وقت جنگ است
جنگ با دشمن آزادی خلق
و همانطور که آقا می‌گفت
سلطه جوان جهان خوار بزرگ
بچه ها دادندند
زنده باد آزادی
مرگ بردیکتاتوری
زنگ بر کاخ سفید
مرگ بردشمن خلق
.....
زنگ تفریح گذشت
.....
سیامک

توضیح درباره معرفی رفیق پویان و انتقاد از آن

رفیقی به نام " علیرضا " برای ما ادداشتی فرستاده است در ارتباط با مطلبی که در صفحه ادبیات کارگری نشریه شماره ۱۲ تحت عنوان " یادش هست همشهری؟ " درباره رفیق شهید امیر پرویز پویان چاپ شده بود. این رفیق به بخشی از مطلب که در آن خاطره‌ای از مصداق موجودی بانک آذربایجان نقل شده بود اشاره کرده و یاد آوری کرده است که همین خاطره در کتاب " پاره‌های از تجربیات جنگ چریکی شهری در ایران " به شکل دیگری آمده است. بانسکر از توجه و دقت این رفیق توضیح می‌دهم که ماسی کرده بودم با استفاده از خاطراتی که رفیقان مختلف از " اسر " نقل می‌کردند، آنهم عمدتاً خاطراتی که می‌دانستم در حاشی حاب و متعین شده و برای خوانندگان ناگزیری دارد. معرفی نامه مذکور راتهبسه کنم.
حال که صحت از اس مطلب شد

خطاب

می‌توانید مرا
هم بدان جرم که فریاد زدم
" آزادی "
زنده بسوزانید، آتش بزنید
می‌توانید صدایم را چون سنگ
به زنجیر کشید
و سرودم را از دار بیاویزید
نامم را اعدام کنید
می‌توانید فرمان خدای ظلمات
در خیابان عمورتاریخ
که کشتن‌های بزرگجاری از

انسان
عشق
صدای گل سرخ

همراهیکره تاراج کنید.
چه‌توانید ولی کرد به روئیدن جنگل یا بالیدن
صبح؟
گرچه آفاق امروز آینه ساکت این صبح
نجیب است و به خورشید آشفته ست
روزی آن صاعقه سرخ که می‌باید
" فریاد بزرگش را سر خواهد داد.
ناکه جواب از سرگها بیورد.
و بداند که سیلاب، بهریگی دو حمبر،
هرگز از پای نخواهد افتاد.

ارغوان

توضیح در مورد

پوستر رفیق صمد بهرنگی

یکی از شاگردان رفیق صمد بهرنگی که اکنون در جردان نیروی هوایی است برای امانه‌های فرستاده و در مورد عکسی از کلاس رفیق صمد در روستای آخر حسان که به صورت پوستر تکثیر شده توضیحاتی داده است. او یاد آوری کرده است که در این عکس ملامت فریدری مالی سر نفر چهارم زده شده و او را رفیق شهید ملی اسفر عرب هریسی معرفی کرده‌اند در حالی که او شخص دیگری است و رفیق عرب هریسی اصلاً در این عکس نیست. نویسنده نامه سپس نام همگی شاگردان کلاس را (که سیزده نفر هستند) به ترتیب نوشته و همچنین توضیح داده است که هر کدام از آنها بالاخره چند کلاس توانستند درس بخوانند و در حال حاضر چه شغلی دارند (او خود از کسانی است که در عکس دیده می‌شود).
اگر موردی پیش آمده از این توضیحات استفاده خواهیم کرد.
در اینجا بانسکر از محبت این شاگرد رفیق شهیدمان، لازم می‌دانیم یاد آوری کنیم که این عکس بهوشله سازمان چریکهای فدائی خلق به صورت پوستر در نیامده و تکثیر نشده و در نتیجه نام رفیق شهید عرب هریسی نیز با نطر و اطلاع سازمان در این عکس ذکر نشده است. شاید انگیزه کسانی که نام او را ذکر کرده‌اند، آنچنان که نویسنده نامه حدس می‌زند تنها سودجویی بوده باشد.

پیشنهادات و نظریات

انتقادی خود را به آرمز برارسال
نمائید.

تهران - سیلوا و کشاورز، خیابان
دهکده (میکده سابق) ستاد سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران.

تلفن ۶۵۹۹۹۹ (ساعات مراجعه و

تلفن به ستاد از ساعت ۴ الی ۸ عصر)

آدرس پانکی - تهران، بانک ملی

ایران شعبه دانشگاه، شماره حساب

۳۲۰۹۸

بنام عباس فضیلت کلام.

از کلیه هموطنان مبارزان

خواهشمندیم فیش بانکی کمکهای

مالی خود را که به بانکها برزنده است،

مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.

مصاحبه با کارگران و اعضای شورای کارخانه کبریت سازی توکلی تبریز

● نماینده شورا : ما تا آخرین نفس برای یکپارچگی و اتحاد خود خواهیم ایستاد و در این راه مبارزه خواهیم کرد .

● یکی از کارگران : آنها لی که در فکر آن هستند تا دوباره رژیم طاغوتی بازگردد این فکر را با خود به گور خواهند برد .

نزدیکهای ظهور و کارخانه می شوم و سر و سراج شورای کارخانه را می گیرم . می پرسند چکار دارید ؟ می گویم از روزنامه آمده ام شخصی را رسدیم . ادران جمع هستند راهنمایی می کنند . اعضای شورا ... نماینده کارگران هستند با لباس های کار نشسته اند . من خود را معرفی می کنم علت آمدن من را آنها در میان می گذارم . با خوش بینی استقبال می کنند . تصمیم می گیرم ابتدا چند کلمه ای با اعضا شورا ... دست می کنم . سپس به میان کارگران که سرگرم کار هستند بروم . از کارگری که پشت میز آهنی نشسته است شروع می کنم و از نقش کارگران بخواهم که کارگران این کارخانه در انقلاب می پرسم . جواب می دهند :

نقش کارگران در این انقلاب خیلی مهم است . در تمام اعتصابات و تظاهرات و مبارزات این کارگران بودند که سینه خود را سپردند و جلوتر رفتند . حال انتظار دارند دولتی بر سر کار آید که کارمندان و خواستنی را که سالها کارگران به خاطر آن مبارزه نموده اند حاکم عمل ببخشد . و اما کارخانه ما . در این کارخانه کارگران شورای را در زمانه خود آورده اند و فکر می کنم که این یک شورای واقعی است . کارگران برای تشکیل این شورا نمایندگان واقعی خود را انتخاب کرده اند .

اوضاع کارخانه می پرسم . می گوید : این کارخانه خیلی قدیمی است . و از شروع کار آن ۶۰ سال است . کارگران به کار معضی از کارگران به ۳ تا ۴ ماه می رسد . حقوق کارگران بین ۳۰ تا ۷۰ تومان در نوسان است . تعداد کارگران کارخانه حدود ۲۰۰ نفر است و در میان این ۲۰۰ نفر به سختی می توان دوپست نفر را یافت که دارای خانه ای باشند . بقیه با مستاجرند یا از لحاظ مسکن به سختی در می بینند و بعضی هائین در زیر قسط و وام های با بهره کم شکن زندگی سختی دارند . خدایمان بزرگوار آنکه آنها نتوانند تمام قسط های خود را بپردازند باید دو بار معسر کنند . این نوع فشارها بر کارگران بخصوص کارگران کارخانه ما زیاد است و شورای کارگران سعی می کند تا حداقل مکان از این مشکلات بکاهد و در درجه اول آنها را حل کند .

به کارگران جوان بلند قامت ، رومی کنم ولی بدون اینکه سوالی بکنم شروع می کند به صحبت .

آقا چه فرق بین کارگر و دیگران است ؟ ما رفقه بودیم به حزب (پی پریم کدما حزب) می گوید حزب جمهوری خلق مسلمان (شخصی در نجات به نام میرزا محمد . بر سر موضوعی با او حرف می زدیم . می گفتیم ما باید با کارمندان متحد شویم ولی او در جواب گفت کارگرا کارمند فرق دارد و با بعضی چیزها فرق باشد . آخر آقا شما بگویید چرا ما باید با بیشتر از آنها باشیم . مگر این مانع است که زحمت می کشیم انگشتان خود را برای ما شستن از دست می دهیم ، باهايمان برابر شویم به رمانتیم مبتلا می شود و به سرعت پیر و فرسوده می شویم ولی پسر تولید می کنیم تا چرخ مملکت بچرخد . حالا چرا باید آنها برابر ما باشند ؟ از توطئه های سرمایه داران می گوید و مثال می زند که :

سابقا ما قراردادی داشتیم بدین ترتیب که در ازای هر جعبه اضافه تولید ۳۰ تومان از کار فرما مطالبه کنیم ولی هر وقت اضافه تولید داشتیم کار فرما از دادن دستمزد آن خودداری می کرد می گفت ندارم . در حالی که آن زمان روزانه بالغ بر ۱۵ هزار تومان عایدی اش بود (و الان حساب کرده ایم بالغ بر ۱۰۰ هزار تومان از کارخانه پول می گیرد) ولی حالا ما قراردادی را عوض کرده ایم و هر جعبه اضافه بر ۵۰۰۰ تومان تا ۱۳۰ تومان به کارگری پرداخت می شود . کارگران انتظار دارند که از کار خود بهره ببرند . ما الان برنامه ای برای افزایش حقوق کارگران در نظر گرفته ایم ولی از طرف دیگر برای مقابله با این طرح . کار فرما با ما مساوی داران مرتباً توطئه چینی می کنند . آنها می گویند جلوه خورد مواد اولیه را بکنند تا با نرسیدن مواد اولیه کارگران بیکار میمانند و اوضاع کارخانه از هم پاشیده شود و ما از آنجا دعوت به عمل میاوریم تا با کارخانه تشريف بساورند ولی گور خوانده اند . ما نگذاشتیم و این توطئه را نقش بر آب کردیم . بدین منظور جلوه خورد را گرفتیم و آنها مجبور شدند مواد اولیه را بفرستند . الان نیز دوستان ما به استانداری رفتند تا در این مورد مشکلات دیگر با دولت مذاکره کنند . البته به طرق مختلف جلوه نماندگان ما می گیرند . ما سابق از سیاسی و شکنجه های سا و اک رنج می بردیم . اکنون نیز وضع ناراحت کننده ای داریم . مثلاً سه روز پیش یکی از نمایندگان بر کار و واقعی ما را افرادی مصلح کمیته شبانه از خانه اش گرفته و بردند . چه های او ترسیده بودند . روی آزادی او تلاش زیادی کردیم و کارگران به خاطر او حاضر به کار نبودند . پس از صحبت با کارگری پیشنهاد کردیم به میان کارگران برویم و با آنها صحبت کنیم . در قسمت بسته بندی با کارگران شروع به صحبت کردیم . کارگری رشته سخن را به دست گرفت و گفت :

ما از ۷ سالگی کار در این کارخانه شروع کردیم . الان ۴۰ سال دارم و ۳۷ سال است در اینجا کار می کنم . ۲۲ سال دستمزد می گیرم . ۹ نفر عائله دارم . هر موقع خواستم اعتراضی برای افزایش دستمزد بکنم ، با ترش روئی و بدوی به راه رو برو شده ام . ۴ انگشت ران را اینجا از دست داده ام . سرمایه داران و کار فرمای ما تمام پولها را برداشته و رفته اند و شورا پولی ندارد دستمزد کارگران را بپردازد . کارگران مدتهاست که حقوق نگرفته اند و در وضع بدی به سر می برند .

می پرسم : شما راجع به شورای خودتان چه نظری دارید ؟ آیا این یک شورای واقعی است ؟ جواب می دهد :

این شورا خیلی خوب است . خوب کار می کند و درست عمل می کند . ما به تمام اعضای آن اعتقاد کامل داریم .

می پرسم : آیا عناصری پیدا می شوند که در کارهای شورا کار شکنی کنند ؟ مثلاً من شنیده ام که یکی از همین عناصر درباره نماینده دستگیر شده شایه گویی کرده بود ؟

پاسخ می دهد :

بلی یکی بود که می خواست با کارهای شورا مخالفت نماید و ما جلوه آوردیم . شاید او نیز تقصیری ندارد . و احتمالاً این کار فرما بود که بگویند زده بود . کارگر شریف در دستگاه وقت بر علیه دوست کارگر ... چینی باید گویی نمی کند . بلکه این سرمایه دار و کار فرماست که ... پس این چنین توطئه هایی می چندند مثلاً سابق وقتی کارگری می خواست از حق خود یادداشت خود دفاع نماید کار فرما ، کارگری را گول می زد تا بر علیه دوست خود اقدام نماید .

می پرسد کار فرما چه توطئه هایی می کند تا کارهای اساسی شورا جلوگیری نماید . می گوید :

در کارخانه سه چهار نفری هستند که از سرمایه دار و کار فرما دفاع می کنند و کار فرما نیز از سادگی و نا آگاهی آنها سوء استفاده می کند . مثلاً زمانی که من دبیر سندیکا بودم و به علت فعالیتت با هم از کارخانه اخراج شده بودم ، کار فرما به دو نفر کارگر پول داده بود تا مرا کتک بزنند . ولی آن دو نفر آمدند و ما را در راه من گرفته و من از آنها تشکر کردم . چنین افراد و هستند ولی خیلی کم و اغلب نفهمیده به چنین کارهایی دست می زنند ولی اخیراً خیلی از آنها نیز فهمیده اند که موضوع از چه قرار است .

یکی از کارگران : امید ما این است که این اتحاد و اتفاق در کارخانه های دیگر هر چه زود تر به چشم بخورد و کاش به همین زودی .

از کارگر دیگری سوال می کنم که شما در مقابل توطئه های کار فرما برای خنثی کردن کارهایشان چه می کنید ؟ پاسخ می دهد :

اتحاد و یکپارچگی ما باعث می شود تا تمام توطئه ها و تمام کارهایی که کار فرما بر علیه ما انجام می دهد با شکست روبرو شود . می پرسم : شما فکر می کنید این اتحاد تا کجا ادامه پیدا می کند ؟ جواب می دهد :

ما تا آخرین نفس برای یکپارچگی و اتحاد خود خواهیم ایستاد و در این راه مبارزه خواهیم کرد .

از کارگر میان سالی می پرسم : وزارت کار برای شما چه کرده است ؟ او می گوید : وزارت کار هیچ کاری نمی کند . تمام کارها را خود ما باید نظرداریم و آنها مجبور شده اند کم و بیش کارهای ما را قبول کنند .

می پرسم : آیا در این کارخانه کارگر زن هم کار می کند ؟ می گویند :

ما زنان کارگری داریم که ۳۰ تا ۳۵ سال کار می کنند و حدود ۲۵۰۰ ریال مزد می گیرند ولی بطور کلی وضع آنها نیز مثل وضع کارگران مرد است .

می پرسم : حداقل و حداکثر دستمزد کارگران این کارخانه چقدر است ؟ پاسخی می دهند :

حداقل دستمزد ۲۳۰ ریال و حداکثر دستمزد برای کارگران معمولی ۵۵۰ ریال برای کارگران و کارکنان ماهی ۷۵۰ ریال است .

اتحاد و ارتباط آنان با کارگران سایر کارخانه های مخصوص

که نماینده ما از اسناداری آمده است می گوید که آنها بطور روشن و صریح جواب نمی دهند و ما فعلاً کاری از پیش نبرده ایم .

کارگر دیگری : الان که کارگران می گویند قدرند کارخانه را خود اداره نمایند کاملاً درست است . زیرا قبلاً نیز این کارگران بودند که کارها را اداره می کردند و چرخهای کارخانه را به گردش در می آوردند و کار فرما نقش چندانی در اداره اسناد داشت . اوفقاً کارگران راه حان همدیگر می انداخت .

یکی از کارگران "نقش کار فرما این بود که دستهای رادرجیب های شلوارش فرو برد و فقط ظلم کند ."

کارگری بزرگ بریده شروع به صحبت می کند . من ۴۵ سال این کارخانه کار کرده ام . آری ۴۵ سال . در این ۴۵ سال ۳ بار به سختی مریض شدم . چشم و دهانم نیز کج شده است . دوبار دچار فتق شده ام و سلامتی جسم را در اینجا از دست داده ام . نه حقوقی برای زندگی داشته ام و نه دستمزد کم کفایت می کرده که مسکنی برای خودم بنا کنم و دست و پا کنم . الان خانه ای که من در آن می نشینم مال بانک است و اگر بانک این کارخانه را بخواهد از من بگیرد می تواند . دستمزد حدود ۲۵۰ ریال است که با بیهمه مالیات و غیره ۵۰۰ ریال برای مخنار رج زندگیم باقی می ماند در حالی که ما زحمتی همه خود نتوانسته ایم استفاده کنیم .

کارگر بغل دستی او می گوید :

"راستی می گوید . وقتی این رفیق ما مریض شد ، همه قبولش نکردیم و مجبور شدیم دکترهای خصوصی مراجعه کنند نسخه های او را هر قدر ما گوش کردیم قبول نکردند و حتی یک شاکی نتوانست از بیمه استفاده کند ، ما هر چه پیش اریاب رفیق را و او را معتمد کنیم که کار رفیق ما سخت است و زیاد کاری کند ، حداقل خائینی برای او پیدا کنید قبول نکرد وقت باید سرکار خود بماند"

کارگر قبلی می گوید :

"این قسمتی از سرگذشت زندگیم بود ولی اگر ما خواهم واقف سرگذشت رنج و دردها و مشکلات خود را به شما بگویم شما بایستی مدت ها بشناید و بنشینید و به وقت گوش بدهید"

یکی از کارگران بزرگتر که بنظر هفتاد ساله می رسید و به درستی نمی توانست حرف بزند اشاره های می کند . می پرسم موضوع چیست ؟ بغل دستی اش جواب می دهد که او هم حرفهای دارد ولی قادر نیست ادان کند . می گویم اگر منظورش را می فهمی تو بگو . قبول می کند . می پرسم . ازگی اینجا کاری کنی ؟ دوستش جواب می دهد :

"از جوانی به این کارخانه آمده و حدود ۴۵ سال است اینجا کار می کند . در این ۴۵ سال یک پرسش را اینجا از دست داده است . می پرسم چند سال داری ؟ دوستش پاسخی می دهد :

حدود هفتاد سال . می پرسم : دوستش چقدر است ؟

می گویند " جوانترین کارگر اینجا پسر طبیب ۱۵ سال دارد و پسر بزرگتر کارگران حدود هشتاد ساله است "

می پرسم : آیا بیمه شده ای ؟ دوستش جواب می دهد :

"نه خیر اگر بیمه شده بود حداقل می توانست در این سن بازنشسته شود"

کارگر دیگری می گوید :

"اگر کار فرما به همه ظلم کرده است"

از وضع کمیته هاورفتار آن می پرسم . جواب می دهند :

"در کارهای مداخلت می کنند . مثلاً سه روز قبل از حزب (منظور حزب جمهوری خلق مسلمان است) شش هفت نفر آمده بودند . یکی از آنان طباچه کشید . مادست بعد هم دادیم که کارگرها او را بزنند .

می پرسم . برای چه چیز آمده بودند ؟ جواب می دهد :

"برای توجیه کردن اعمال خود در مورد دستگیری یکی از نمایندگان ما"

می گویم . خوب ادامه بده . ادامه می دهد :

"آری مادست بعد هم دادیم تا کارگرها او را بزنند و پس او فرصت دادیم ولی او از فرصت بد جوری استفاده کرد و طباچه خود را کشید و یکباره من متوجه شدم که گلوله ای از زیر پازوم برداشته است . ابتدا خیال کردم که گلوله خوردام . بالاخره او را به هر شکلی بود از کارخانه بیرون انداختم"

می پرسم : آیا واقعا قصد داشت شما اهداف قرار دهید یا منظور ش ترساندن بود ؟ جواب می دهد :

"نه خیر آقا می زد . مادستن را بالا نگذاشته بودیم داشت می زد

نماینده شورای کارگران :

در کار ما مداخلت صورت می گیرد . ولی ما شمارا داریم . تا شما با قدرت تمام با بر جاستید

ماهیچگونه ترسی به دل راه نخواهیم داد .

کارخانه های کبریت سازی ممتاز تبریز حویلی شوم . می گویند :

ما با آنها اتحادیه کبریت سازان تبریز تشکیل داده ایم . متأسفانه بعضی از نمایندگان کارخانه ممتاز طرفدار کار فرمای خود هستند . او هر کس را که استخدام کرده به آنها قبولانده است که وظیفه اش جاسوسی دادن گزارشهای کارمندان است و تا به امروز کار فرمای کارخانه ممتاز نتوانسته است نفوذ سابق خود را در کارخانه حفظ نماید . این وضع در کارخانه ما به هیچ وجه دیده نمی شود . علت آنهم اتحاد و یکپارچگی بی نظیر ما است . البته وضع ما نیز قبلاً مثل وضع آنها بود .

می گویم : آیا فکرتی کنید کارگران کارخانه ممتاز هم راه شار طی کنند ؟ پاسخی می دهد :

" الان تقریباً همینطور است یعنی اکثر کارگران تحت نفوذ کار فرمای خود باقی مانده اند . مثلاً در مورد تعطیلی پنجشنبه ها ، کارگران کارخانه ممتاز از این موضوع به شدت استقبال کرده اند ولی همین چند نماینده موافق نیستند . نمی دانم تحت چه شرایطی این نمایندگان انتخاب شده اند . احتمالاً باز هم اعمال نفوذی در مورد انتخاب آنها شده است "

کارگر دیگری :

"حتماً این هم به سازش کاری همان عناصر خریداری شده و نا آگاهی برخی از کارگران مربوط است . به نظر من آنها با کار فرما زد و بند کرده اند . می پرسم آیا خواهد توانست کارخانه را به نحو احسن اداره کند و کارها را پیش ببرد ؟ هم پاسخی می دهند :

"چرا نتوانیم ؟ البته که قادر خواهیم بود ولی باید در نظر داشت که کار فرما الان تمام مسئولیت ها را از جمله مسئولیت خرید و فروش را نیز به گردن نمی گیرد . دولت نیز قبول ندارد که ما هیبت نامد برعکس برای اداره کارخانه انتخاب نمائیم "

یکی از کارگران " دولت فعلاً تا آنجا قبول نکرده است و همین الان نیز

بقیه در صفحه ۶

پس سوی ایجا و تقویت شوراهای واقعی

شوراهای دهقانی گامی است در جهت بهبود زندگی روستائیان

کشاورزان و روستائیان زحمتکش با وجود تمام تلاشهای روزافزون خود در نتیجه مطلوبی برخوردار نیستند. بعد از قیام تاکنون با وجود افزایش های بی گریبان در حال مشکلات کشاورزی شان از دولت، با بی توجهی مقامات مسئولین مربوطه روبرو بوده اند. روستائیان بارها برای لغو بدهی ها و دیون خود به بانکها و موسسات مختلف دولتی که باقی مانده آثار استثمار وحشیانه امپریالیسم ورژیم راسته شاه سابق بوده، به مسئولین رجوع کرده اند ولی همیشه با وعده و وعید های پوچ و تو خالی روبرو بوده و با بد وسیله حقوق بگیران مالکین سرکوب شده اند. خواسته های کشاورزان در مورد پرداخت وام، کود و بذر و سموم دفع آفات به نتیجه نرسیده است. و در اغلب نقاط کشاورزی در شرایط استثنای قرار دارد و از طرفی زندگی روستائیان تامل شده است. اما مسئله به

همینجا ختم نمی شود. چرا که تهاجم و غارت زمینداران و بقایای فئودالها در بعضی نقاط بیشتر شده تا جایی که غصب مجدد زمینهای دهقانان از طریق زمینداران و فئودالها با هجوم مزدوران آنان به روستا رایج شده است. در این میان دولتت بیگانه بی توجهی خاص به روستائیان و کشاورزان به وضوح از منافع زمینداران و مالکین دفاع می کند و توسطه ها و تحریکات زمینداران بزرگ را امری عادی تلقی کرده است. وحشی به حمایت آنان برخاسته است. نمونه های از پشتیبانی دولت از زمینداران بزرگ و مالکین را در مبارزات حق طلبانه دهقانان در در کردستان و گنبد و خوزستان شاهدیم. تشدید این قبیل تحریکات بخصوص این موقع که فصل برداشت معمول است با آتش زدن معمولات و

تشکیل شوراهای دهقانی و پیوستن اتحادیه های دهقانی کنند تا از این طریق بتوانند سهمی را در مقابل شکار و غارت زمینداران بزرگ و فئودالها کنند. تجربیات بسیار گرانبهائی که کشاورزان گنبد و پاره های از روستاهای کردستان در تشکیل شوراهای روستائی بدست آورده اند حاوی تلاش سازنده و یکپارچه ای است که کشاورزان این مناطق پس از روبرو با مشکلات بسیار بدان دست یافته اند. و اکنون شاهد پیشرفت هر چه سریعتر شوراهای خود هستند. تا از این طریق بتوانند خود حاکم بر سرنوشت خویش باشند.

تشکیل شرکتی تعاونی روستائی واقعی و همکاری همه جانبه روستائیان زحمتکش در این امر بار سنگین هزینه های بسیاری را از دوش دهقانان برداشته است. مالکون شاهد رشد شوراهای روستائی درباره ای از نقاط مینسکیان هستند. دهقانان به خوبی بی با اهمیت فراوان این شوراهای برده اند و دیده اند که چگونه وقتی متخمسین شان که از آگاهترین و مطمئن ترین افراد روستا می باشند در قطع دست تمام عوامل و راهبانی رژیم پیشین و عوامل مسز دور سرمایه دار و زمیندار قاطعانه اقدام کرده اند. دهقانان دیده اند که بعضی از شوراهای روستائی چگونه موفق به لغو کلیه بدهی های کشاورزان در رابطه با بانکها و موسسات چپاولگر دولتی و غیر دولتی و نیز لوخواران مربوطه رژیم سابق شده اند و در جهت حل مسئله زمین و بهره برداری صحیح به دست محرومترین کشاورزان که از طریق معادله زمینهای زمینداران غارتگر انجام شده به چه میزان ارزشمندی گام برداشته اند و به این جهت است که چون دهقانان دریافته اند که دولت نمی تواند حامی منافع آنان باشد، از این رو خواهان شرکت نمایندگانی منتخب خود در تصمیم گیری های دولت می باشند.

اما نباید از این مهم غافل ماند که تنها تنها از طریق رهبری کارگران است که در مینسکیان مشکل اساسی دهقانان حل خواهد شد و فقط با حاکمیت طبقه کارگر است که حل مسئله زمین و سایر مشکلات کشاورزان بطور کلی از بین خواهد رفت.



نمونه های تازه ای از تجاوز و تجاوزکاران

"آخچقل" قربانی تجاوز اربابان

کردستان از روزه های بعد از قیام شاهد یک تازی های زمینداران بزرگ یعنی کسانی که در زمان شاه همگامی نزدیکی با ساواک و ژاندارمری داشته اند، بوده است.

یکی از دهقانان نمونه این تجاوز و تجاوزکاران، غارت، آتش زدن خانه و اخراج دهقانان اطراف ارومیه و سلماس در اسفند ۵۷ بوده است.

اکنون برای همه روشن است که این فئودالها از حمایت مستقیم کیمت ها و ژاندارمری و بطور کلی دولت برخوردار هستند و چنین به نظری رسد که دولت از تجدید روابط ارباب - رعیتی حمایت می کند. همه از جریان پخش اسلحه بین فئودالها خبر دارند. همه مردم می دانند که امرای ارتش، مزد تمین، قیاده موقت و فئودالها همکاری نزدیکی با هم دارند و حوادث پراکنش و جلدی با بد خالت توپ و تانک ارتش نشان دهنده این اتحاد نامقدس است.

نمونه دیگری از این فجایع و ستمگری ها اخیرا در "آخچقل" در محال "صومالی" در روز پنجم تیرماه صورت گرفته. ارباب این روستا در پیش سیدی دهقانان راه بهانه های مختلف از زمین خودشان بیرون می راند. یکی از روستائیان این ده به نام "میرزائی" از ارباب می خواهد تا برداشت محصول به وی فرصت داده شود. ولی ارباب این تقاضا را رد می کند و می خواهد که به گولگی بندد و درگیری ایجاد می شود. در این درگیری خود در پیش سیدی و دو برادر میرزائی کشته می شوند. با کشته شدن سیدی، اربابان دیگر به خانه میرزائی پورش آورده و خانه راه آتش می کشند. اهالی ده مجبور به فرار به "خروگوش" خانواده میرزائی رانجا می دهند.

فئودالها در این جریان حدود شصت نفر از افراد خانواده و فامیل میرزائی را از خانه و ده خود آواره کرده اند. علاوه بر ۱۲۰ هزار تومان پول و وسایل و گوسفند آنها را نیز تصاحب کرده اند.

مواظب یکدیگر باشید، دیگر عرضی ندارم، موفق باشید.

آپااشین می آید، کارگردیگری از فرصت استفاده می کند و میکروفون را به دست می گیرد و چنین می گوید:

"ما هر چه پدیدار شده و سرمایه دار هست موخوایم کرد" کارگران پاسخ می دهند: "انشاء الله" ادامه می دهد: "آنها بی که در فکر آن هستند که دوباره رژیم طاغوتی بازگردانند فکر را بخود به گور خواهند برد. کارگران پاسخ می دهند: "انشاء الله" بازمی گوید: "ما موفق خواهیم شد. خواسته های ما بالاخره برآورده خواهد شد. تمام خائنین را موخوایم کرد. تمام سرمایه داران و طرفداران آنها را که خائن محسوب می شوند موخوایم کرد." در فاصله این شعارها صدای بلند و یکپارچه "انشاء الله" به گوش می رسد. کارگران کم کم پراکنده می شوند ولی بازدهی از کارگران می آیند و می خواهند دردها، رنجها و مشکلاتشان و خلاصه همه زندگیشان را برایشان بگویند. کارگری می گوید:

"۱۲ سال پیش من یک انگشت خود را از دست دادم و نزدیک همین میدان یکی انگشتم برید. و مجبور شد ندا گوشت بازویم ببرند و به انگشتم پیوند بزنند (می خواهد بیرونش را در آورده و بازویش را نشان دهد) ۸ سرعائله دارم و ۴۳ تومان دستمزد می گیرم. من به راستی قادر نیستم به این زندگی ادامه بدهم. می پرسم آیا کارشورای خودتان را می هستی؟ فوری جواب می دهد: "آری خیلی راضیم". می پرسم، فکری کنی برای پیش برد اهداف شورا که در حقیقت اهداف کارگران است چه کار باید کرد. پاسخ می دهد: "باید یکمی شویم".

کارگردیگری صفات زندگیش را بر سرتم برآورد و می زند می فهمم که ۲۴ سال در این کارخانه کار می کند و تا حال از بسیاری چیزهای اولیه و عادی زندگی محروم بوده است و می فهمم که اغلب روزها به قول خودش روسا به دست خالی به خانه نزد خانواده اش برگشته است. او می گوید ما تقریباً ۸۰ نفر کارگریم که فقط ۱۵۰ نفر ما آنهم بطور تسلی صاحب مسکن هستند و بقیه از این لحاظ بسیار در مضیقه اند. او پیشنهاد می کند که از زمین های بلا استفاده بی حد و حصر توکلی یکی را در اختیار کارگران کارخانه قرار دهند تا در این زمین کارگران برای خود خانه سازند.

از قانون اساسی و مجلس موسسان یا "خبرگان" می پرسم و می گویم: "اگر فرض تو نمایندگی مجلس انتخاب بشوی در این مورد چه پیشنهادات با اقداماتی می کنی؟" می گوید: "من که نماینده انتخاب نمی شوم ولی شخصی که انتخاب می شود باید حلاوتال توکلی ها را که روزانه صد و بیست هزار تومان به حساب می زند بگیرد. این دستبرد به حقوق مانده در قانون الهی و نه در قانون غیر الهی در هیچکدام نیست. کارگردیگری از من با صراحتی خواهد به سخنانش کوش دهم و می گوید:

"من ۱۷ سال است در این کارخانه کار می کنم. زمانی زمنی حائله بود رفتم پیش حاج نقی توکلی از وی خواستم در این مورد کمک کند. او با عصانیت سروم کرد و گفت آن کارخانه برایم صرف نمی کند. وافرص دستمزد شما را می بردارم. از من این انتظارها نداشته باش.

مصاحبه با کارگران...

می دانیم و البته تمام ظلم و ستم آنها نیز روشن است و لازم به توضیح نیست. با این وصف ما سه روز است به استنادی و اداره کاری رویم ولی در این سه روز ما هیچگونه نتیجه ای از برخوردمان با این دو اداره مسئول نگرفتیم. آنها مرتباً وعده روزهای آینده را می دهند. حال ما معلوم نیست ما کی بتوانیم از آنها نتیجه کلی و اساسی بگیریم. ما به این نتیجه رسیده ایم که چون امروز لازم است کارگران مزدشان را دریافت کنند لذا شورای کارگران که از نمایندگان واقعی خودشان تشکیل یافته و شما آنرا تأیید کرده اید با اجازه شما تصمیم گرفته است بمقدار لازم جهت پرداخت دستمزد شما کسبیت بفروشد و دستمزد شما را پرداخت نماید و اگر روز شنبه یعنی سه روز دیگر نیز اقدامی از طرف دولت مشاهده نشود ما فسر و ش خود را ادامه خواهیم داد تا پول تعطیلات شما را آماده نمائیم و خواهش

ما اجازه نخواهیم داد سرمایه داران علیه ما توطئه کنند. ما با همبستگی خودمان نخواهیم گذاشت آنها بر علیه ما فعالیت نمایند.

ما کارگران این است که اتحاد کامل خود را حفظ نمایم و در نظر داشته باشیم که این کاری که ما انجام می دهیم بخاطر این است که شورا واقعی کارگران در مقابل دسیسه های سرمایه داران شکست نخورد و نتواند که اینها قادر نشوند کارخانه را اداره نمایند و ما مجبور شویم که با آنها مصالحه کنیم. ما هیچوقت اینکار را نخواهیم کرد. اکنون آیا شما حاضرید ما چنین کاری بکنیم یا نه؟

کارگران با شغف غیر قابل وصفی خیلی بلند و محکم می گویند: "بله". نماینده گفتانی کند و دوباره می پرسد آیا همه حاضرید ما این دام را بکنیم؟ "بله" محکمتر و سارتر و قاطع تر دیوارها را می بزند. عکارگری روبه من می کند و می گوید: "میدانی امید ما این است که این اتحاد و اتفاق در کارخانه های دیگر نیز هر چه زودتر به چشم بخورد و گاش به همین زودی و ایمان دارم که پاسخ صحیح است. به سخنان نماینده گوش می دهم: "خیلی خوب. اینها قرار کرده اند و با خودشان مقدار زیادی پول برده اند ولی این مشکل نیز حل شده است. ما می گوئیم دستمزدها را اضافه کنیم. کارگران پاسخ می دهند: "انشاء الله"

نماینده می گوید: "حتی در این کار شاید بعضی مداخلات نیز بشود ولی خوب ما شمارا داریم. تا شما با قدرت تمام با برجاهستند ما هیچگونه تری به دل را نخواهیم داد. هیچوقت اتحاد خود را از دست ندهید

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و د

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و د

کارگران نقاش سندیکای قلابی را افشامی کنید

در خرداد ماه امسال جزوهای تحت عنوان "سندیکا چیست و چگونه پیمانکاران و افراد صدکارگر در سندیکای نقاشان انتخابات قلابی راه انداخته اند و چطور با آنها مبارزه کنیم" توسط کارگران نقاش پیشتاز منتشر شده است.

از آنجا که در این نوشته تفرقه اندازی و نفاق افکنی کارفرمایان در میان کارگران، دخالتیابی بی جای کمیته هادراسور کارگری، و ماهیت وزارت کار که همیشه جانب سرمایه داران را گرفته است، افشا شده است. ماه انتشار قسمتی از آن می پردازیم و اطمینان داریم که آگاهی از آن برای تمام کارگران همین مآل موند خواهد بود. در این نوشته کارگران نقاش نشان می دهند چگونه کارفرمایان، پیمانکاران و جیره خواران حامیان آنها به طرق مختلف می کوشند در میان کارگران اختلاف بیندازند، کارگران را راه سلیمان و غیرسلیمان، مسیحی و مسلمان... تقسیم کنند، نابرابری مدتی دیگر به استعمار برحمانه ادامه دهند و موافقی بر سر راه اتحاد و تشکیل کارگران به وجود آورند.

امروز عمدتاً در این شوهای که دشمنان طبقه کارگر به کار می گیرند، تا بار دیگر همانند رژیم صدکارگری گذشته تسلط بی چون و چرای خود را تأمین کنند، سو استفاده از اختلافات عقیدتی و دامن زدن به اختلافات مذهبی در میان کارگران است. اما آنجا که کارگران دارای هر عقیده و هر مذهبی که باشند توسط سرمایه داران استثمار می شوند و منافع مشترک آنها اتحاد آنها را ضروری می کند. سرانجام این حمله ها نیز افشا خواهد شد. باشد که رشد آگاهی و تجربه سرمایه داران کارگران همه این بدسیه ها را نقش بر آب کند و طبقه کارگر متحد و متشکل همین مادرچیت نابودی نظام سرمایه داری که جز استثمار، فقر و ستم برای کارگران نتیجه ای ندارد، پیش نازد. کارگران نقاش پیشتاز در این نوشته خود ابتدا اشاره می کنند که سندیکا تأمین کننده منافع صنف کارگران است، و همکارگران یک صنف با حرفه صرفت از تفاوت صنف، جنس، مذهب، عقیده و نژاد می توانند برای تأمین منافع صنفی و صرفه ای خود در سندیکا متشکل شوند و از حقوق خود دفاع کنند. سپس به بررسی شیوه های مزورانه و تفرقه افکنانه کارفرمایان می پردازند و چنین می نویسند:

اما کارفرما چه کاری می کند؟ کارفرما از کارگر مذهبی و غیرمذهبی به یک اندازه سود می برد. آنچه برای او مهم است نیروی کار آنهاست. او... توسط عواملی سنی می کند از به وجود آمدن تشکیلات واقعی کارگری جلوگیری کند و با تشکیلات آنها نفوذ کند تا افکار کارگران را آنچنانی که می تواند از مبارزه برعلیه خود منحرف کند و به مبارزه برعلیه خودشان بکشد. به این دلیل است که موضوع مذهب، غیرمذهب، راهپیمایی می کنند یا نه اختلاف بیندازد. سپس چنین ادامه می دهد:

برادران کارگر! همانطور که می بینیم سندیکای مایک تشکیلات کارگری است. آنچه در سندیکای باعث ایجاد اتحاد می شود منافع اقتصادی - اجتماعی مشترک مای باشد. ما نباید یکدیگر را در سندیکا بخاطر داشتن افکار مختلف دشنام بدهیم و باهم مخالفت کنیم. بخاطر اینکه این کار پیمانکاران و سرمایه داران را خوشحال می کند و باعث می شود که آنها بتوانند از این نفع بهره نفع خود استفاده کنند. پس بگوئیم تا این اختلافات را کنار گذاشته و یک سندیکای واقعی را به وجود بیاوریم.

حال ببینیم آیا انتخابات سندیکای مادر روز شنبه ۵/۳/۵۸ درست بود یا سندیکای ما با این انتخابات یک سندیکای قلابی می باشد؟ قبلاً باید بگوئیم که در روز جمعه (یک روز قبل از انتخابات) با توطئه عمده ای پیمانکاران و جیره خواران نقاشان اقدام شده بود. یکی از این پیمانکاران نیز به نام اکبر پور... به کارگران گفته بود: اینها نمایندگانشما هستند، به اینها رای بدهید. نمایندگانی که در خانه کارگر قرار است انتخاب شوند کمیونیت هستند.

این شیوه ها به خوبی ماهیت

درباره ملی کردن بانکها

● سرمایه های خارجی که حاصل سالها استعمار و بهره کشی خلقهای ایران است باید به نفع نوده های زحمتکش مصادره شود.

نیز حاضر به پذیرش نظم کهنه نبودند. بدین جهت اکثر کارکنان بانکها اقدام به تشکیل سندیکاها و شوراهای اداری کردند و با راهی از این سندیکاها و شوراهای اداره بانکها ادرست گرفتند. به عنوان مثال: پس از فرار هیئت مدیره بانک مسکن منام، اداره بانک به دست نمایندگان منتخب کارکنان افتاد. کارکنان بانک پارس مدیرعامل را اخراج کردند و از طریق سندیکا، مدیرعامل جدیدی انتخاب کردند که اورا به هیئت مدیره نیز قبولانده بودند. مدیریت بانک تهران نیز عملاً از طریق کمیته های مشترک سندیکای مدیریت زیر نفوذ سندیکا قرار گرفته بود. دولت برای مقابله با این امر می کوشید با صدور بخشنامه هائی مبنی بر لغو سندیکاها و شوراهای غیره، کارکنان بانکها را از مشارکت در امور باز دارد و همسایگان مدیران و سرمایه داران مفتخور و وابسته سابق را تقویت کند. ولی در بانکها مقاومت کارکنان روبرو شد. توده های نیز همچنان به بانکها اعتمادی کردند و مصرا خواستار ملی کردن آنها و مصادره سرمایه های داخلی و خارجی که حاصل استثمار چندین ساله آنهاست، بودند. بخشی از هیئت حاکمه نیز صحبت از ملی کردن بانکها می کرد.

دولت که نتوانسته بود با تلاش های مذکور خویش مشکلات بانکها را حل کند با توجه به مسائل فوق بانکها را ملی اعلام کرد و اداره آنها را در دست گرفت.

ولی آیا حقیقتاً بانکها ملی شد؟ خیر. با توجه به توضحات زبانی، بینیم که بانکها فقط دولتی شده است. اولاً، منظره بانکت سهام عمده بانکها از طرف دولت در طرح ملی شدن به هیچ وجه روشن نشده و بدون ارائه هیچگونه برنامه ای تصمیم گیری در مورد

"بحرانهای دوره ای" در ذات نظام سرمایه داری است. در عصر امپریالیسم (از اوایل قرن نهم به بعد) این بحرانها وسیع و "عمومی" می شوند یعنی اکثر کشورهای سرمایه دار در برابر می گیرند. این بحرانها به حوامی که با هزاران رشته به امپریالیسم وابسته اند نیز خواهد ناخواه منتقل می شوند. مسلماً انتقال این بحرانها به حوامع وابسته موجب کاهش اثرات بحران در کشورهای امپریالیستی در حدود سال ۱۳۵۱-۱۳۵۰ با یکی از شدیدترین بحرانها روبرو شدند. اثرات این بحران در ایران، گسه در آن تضادهای طبقاتی شدت یافته بود. جدی ترین مشکلات اقتصادی راه بار آورد. این بحران رسته ای شد تا جنبش خلقهای تحت ستم اوج بگیرد و با تأثیر گذاری بر بحران موجب عمیق تر شدن آن شود.

آنچه در زیر می آید تلاشی است در جهت نشان دادن وضعیت بانکها (که یکی از مهمترین حلقه های پیوند اقتصادی با امپریالیسم هستند) از تیرم بحران سال به اصطلاح "ملی کردن" آنها. با شروع مبارزات ضد دیکتاتوری ضد امپریالیستی مردم که بخوبی از نقش غارتگران بانکها به عنوان سبیل و استیغ نظام آگاه بودند (و بعنوان مثال می دانستند که دارائی بانکها در طول سال اخیر ۷ برابر شده بود) نوک حمله خود را متوجه بانکها کردند. در تظاهرات خیابانی با تهاجم به بانکها خسارات زیادی به آنها وارد ساختند و هزاران بانک را ضمیمه خود کردند. از طرف دیگر با بیرون کشیدن سیرده خویش و نیرد احتیج بدهی هایشان ادامه کار بانکها را محتمل کردند. کارکنان بانکها نیز با اعتراضات و افتخاری های خود در کنار توده های مردم کار بانکها کاملاً فلج کردند.

سرمایه داران وابسته وعده ای از صاحبان بانکها با اوج گیری مبارزات از ترس خشم انقلابی از طریق بانکها بولهایشان را به خارج منتقل کردند و خودشان فرار را بر فرار ترجیح دادند. اعتصابات سراسری زحمتکشان نیز باعث رکود تولید در نتیجه راکد شدن سرمایه های بانکی شد و سرمایه گذاران تمایلی به سرمایه گذاری در صنایع نشان نمی دادند. از طرفی ارزش دارائی های ثابت و وثیقه ای که بانکها در مقابل وامها و اعتبارات اعطایی در اختیار داشتند به شدت کاهش یافت. مجموع این مسائل باعث شد که سیستم بانکی در ایران با خطر ورشکستگی روبرو شود. نگاهی به وضعیت بانک های "صادرات"، "شهریار"، "صنایع"، "تهران" و "کار" می تواند این موضوع را به خوبی نشان دهد. در سپن ماه ۵۷ تنها حجم سیرده های بانک صادرات نسبت به سال قبل ۶۸ میلیارد ریال (حدود ۲۰٪ کل سیرده ها) کاهش یافته و بانک موم در مجموع در پایان سپن ماه مبلغ ۹۹ میلیارد ریال از حجم سیرده های خود راز دست دادند. این رقم حدود ۲۰٪ مجموع سیرده های آنان می شود. با به عنوان نمونه در پایان اردیبهست ماه سال جاری بدهکاری بانکها به دولت ۱۸۲ میلیارد ریال بوده است. پس از قیام سپن ماه، دولت بازرگان قدرت را در دست می گیرد. دولت با توجه به ماهیت طبقاتی خویش در اقدامی کوشد از طریق ترمیم نهادهای اقتصادی رژیم سابق به رتق و فتق امور بپردازد. در مورد بانکهای می کشد تا نزدیک پول و اعتبارات، باز جریسد اوراق قرضه، فراه آوردن امکان اضافه در این زمان بانکهای خارجی هم به بانکهای خصوصی اعتماد نمی کردند و از وام دادن به آنها خودداری می کردند. پس از قیام عده زیادی از مدیران و صاحبان بانکها حرات حاضر شدن در سر کار خود را نداشتند. کارمندان بانکها

● دولت با سو استفاده از اعتماد توده ها به بخشی از هیئت حاکمه و کاربرد قدرت متمرکز خویش می کوشد با دولتی کردن بانکها سرمایه داری وابسته از هم پاشیده راسامان دهد.

آن راه بعد موقوف کرده اند. در مورد سرمایه های خارجی که حاصل سالها استعمار و بهره کشی از خلقهای ایران است و مصادره کردن آنها خواست حقه خود است زحمتکش می باشد، رئیس بانک مرکزی (که از مقامات برجسته حزب رستاخیز بوده است) طی مصاحبه ای می گوید:

"درباره پرداخت عرامت به صاحبان سهام خارجی بطوری که بارها اعلام شده فرقی میان این سهام با سهام داخل قائل نخواهیم شد و سعی خواهیم کرد که حقوق حقه سرمایه گذاری خارجی با قوانین جاری کشور و با در نظر گرفتن قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی تأمین نمائیم."

"نه تنها صاحبان سهام خارجی نباید کوچکترین نگرانی از ملی شدن بانکها به خود راه دهند بلکه باید مطمئن باشند که در نتیجه ملی شدن قرضه های خارجی بانکها نیز از سوی دولت تأمین و پرداخت خواهد شد و اگر چند روزی به علت مشکلات اداری که در تمام انقلابها پیش می آید، تاخیری رخ داده نباید هیچگونه نگرانی به خود راه دهند..." (از روزنامه آینه گان شنبه ۹ تیر).

این سخنان احتیاجی به توضیح ندارد و خود به خوبی ماهیت آقای مولوی را روشن می کند و نشان می دهد که در خدمت خواستهای حقه... سرمایه گذاران امپریالیست می باشد نه خواست های برخی توده ها (به همین جهت هیچگونه حرمی از ۵۲ دفتر نمایندگی سندیکای خارجی در ایران که کلبه عملیات

عده و مدیران بانکها را کسبی تشکیل می دهند که خود از صاحبان صنایع وابسته هستند.

بطور مثال: حاجی برخوردار که عضو هیئت مدیره بانکهای ایران، ایران و خاورمیانه و توسعه صنعتی و معدنی است خود صاحب صنایع پارس الکتریک نیز هست... با لاجوردی ها عضو هیئت مدیره بانکهای بین المللی ایران و ژاپن، توسعه سرمایه گذاری ایران و صاحب ۲۳ موسسه اقتصادی ایران هستند. بدین ترتیب رابطه متقابل صنایع و بانکها نشان می دهد که سرمایه داری بدون سیستم بانکی قادر به ادامه حیات نیست. توجه داشته باشیم که سرمایه گذاری بانکها نامحدود بوده است و بعنوان مثال در پایان سال ۵۶ بانکهای خصوصی ۱/۵ برابر سرمایه خود، سرمایه گذاری کرده بودند.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع غیره، باید تمامی این رشته ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می کند. انقلابی است که ملی کردن را با مصادره اموال و کلبه سرمایه های بزرگ داخلی و همه سرمایه های خارجی همراه خواهد کرد و آنگاه اداره امور این اموال و سرمایه ها را از طریق شوراهای و به دست قدرتمند توده ها خواهد سپرد.

حمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

کارگران دخواست:

بقیه صفحه ۱

دولت تولیدات داخلی را...

کروهی از کارگران دخواستنامه‌های برای مائوسال داشته‌اند و ضمن آن دولت را مورد استیصال قرار داده‌اند که "حربا گنودن زهای ایران بر روی سبک‌های خارجی ... حسب سرمایه‌داران استعمارگر را برمی نمایند؟ - جوانی گذارد به جای اینکه این جد سبک خارجی گرانقیمت از کشورهای امپریالیستی وارد گردد... کارخانه‌های داخلی به کارافتند تا هم کارگران زحمکن دخواست بکارننوند و هم دهقانان بونون کار ایرانی از ورگسنگی نجات بنداکنند؟" تا ناسس بدان مفهوم نست که هنوز دستهای استعمارازکشور ما کورده ننده است؟

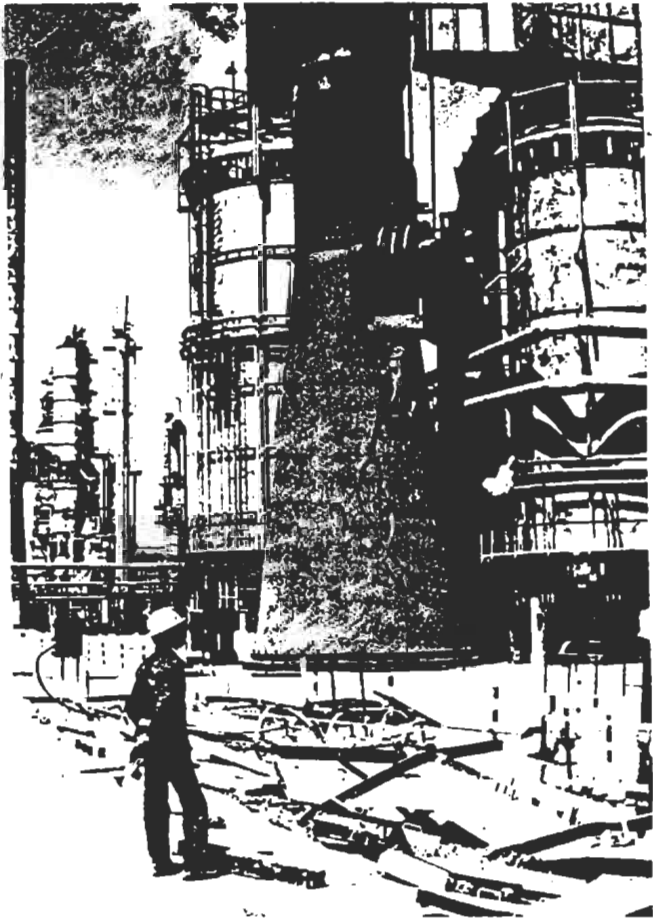
این سوال و دیگر سوالاتی از اکثریت مردم ما مان روبرو هستند . واقعاً چرا با وجود این همه امکانات که دولت برای تهیه سبک داخلی در اختیار دارد ، از تولید آن خودداری می کند؟ کارگران و زحمکنان ما چگونه می توانند با وجود این همه بیکاری و درآمدها مستولین امر مدعی هستند که ما توتون نداریم چرا به جای سبک توتون وارد نمی کنند؟ که دست زارع توتون کار و کارگر دخواست را بکجان بندند؟ بگذارند لاقول کارخانه تولید نماید تا هم کارگر سبک تولید کند و هم زارع توتونکار سد جوع نماید . چه شده است به جای اینکه تقدیری از کارگران زحمکن این کارخانه در مقابل فعالیت‌های مداوم آنها به عمل آید بخشنامه‌های از طرف مفسد وزارت صنایع و معادن صادر و ابلاغ می گردد که ساعت کار کارگران تقلیل یافته و یک سوم مزد آنها کاهش یابد . چه شده است که وزارت کار هم در مورد کارخانجات دخواست سکوت می کند؟ مگر غیر از این است که با کشودن مرزها وسیله فرآوردهای خارجی به بازار ایران حیب سرمایه‌داران استعمارگر را بر سر می نمایند؟ و کارگر و زارع را دلسرد و ناراضی به بارمی آورند؟ چرا به فکر این نیستید که هنوز هم سبک ایرانی گران و کمیاب است . ما کارگران دخواست به دولت هشداری دهیم هنوز هم دستهای استعمار کوتاه نشد موایه حکم وجدان انقلابی خود از هیچگونه انتقاد و مبارزه کوتاهی نخواهیم کرد .

کروهی از کارگران دخواست

دولت تولیدات داخلی را...
کروهی از کارگران دخواستنامه‌های برای مائوسال داشته‌اند و ضمن آن دولت را مورد استیصال قرار داده‌اند که "حربا گنودن زهای ایران بر روی سبک‌های خارجی ... حسب سرمایه‌داران استعمارگر را برمی نمایند؟ - جوانی گذارد به جای اینکه این جد سبک خارجی گرانقیمت از کشورهای امپریالیستی وارد گردد... کارخانه‌های داخلی به کارافتند تا هم کارگران زحمکن دخواست بکارننوند و هم دهقانان بونون کار ایرانی از ورگسنگی نجات بنداکنند؟" تا ناسس بدان مفهوم نست که هنوز دستهای استعمارازکشور ما کورده ننده است؟

این سوال و دیگر سوالاتی از اکثریت مردم ما مان روبرو هستند . واقعاً چرا با وجود این همه امکانات که دولت برای تهیه سبک داخلی در اختیار دارد ، از تولید آن خودداری می کند؟ کارگران و زحمکنان ما چگونه می توانند با وجود این همه بیکاری و درآمدها مستولین امر مدعی هستند که ما توتون نداریم چرا به جای سبک توتون وارد نمی کنند؟ که دست زارع توتون کار و کارگر دخواست را بکجان بندند؟ بگذارند لاقول کارخانه تولید نماید تا هم کارگر سبک تولید کند و هم زارع توتونکار سد جوع نماید . چه شده است به جای اینکه تقدیری از کارگران زحمکن این کارخانه در مقابل فعالیت‌های مداوم آنها به عمل آید بخشنامه‌های از طرف مفسد وزارت صنایع و معادن صادر و ابلاغ می گردد که ساعت کار کارگران تقلیل یافته و یک سوم مزد آنها کاهش یابد . چه شده است که وزارت کار هم در مورد کارخانجات دخواست سکوت می کند؟ مگر غیر از این است که با کشودن مرزها وسیله فرآوردهای خارجی به بازار ایران حیب سرمایه‌داران استعمارگر را بر سر می نمایند؟ و کارگر و زارع را دلسرد و ناراضی به بارمی آورند؟ چرا به فکر این نیستید که هنوز هم سبک ایرانی گران و کمیاب است . ما کارگران دخواست به دولت هشداری دهیم هنوز هم دستهای استعمار کوتاه نشد موایه حکم وجدان انقلابی خود از هیچگونه انتقاد و مبارزه کوتاهی نخواهیم کرد .

کروهی از کارگران دخواست



مردم مبارز ایران با شرکت در راهپیمایی روز شنبه

خاطره قیام ضد امپریالیستی ...

دروزی سی تیر کارخانه همدانشگاهها ، مدارس ، بازار ، کسبه و تاندازه‌های ادارات به حال تعطیل درآمدند . پس از یکی دو ساعت دانشگهان اتوبوس هاوانگسی هاهم دست از کسار کشیدند و شهر تهران بیکباره به حال اعتصاب درآمد .

تظاهرات از صبح از خیابانهای اطراف بازار ، بوذرجمهری ، ناصرخسر و سروس ، خمام ، پاناروبرق شروع شد و به طرف توپخانه و اکباتان پیش رفت نیروهای ارتش ابتدا با یورش های سر نیزه و سپس با شلیک تیروه کاربردن تفنگ و مسلسل با جمعی که بسوی مجلس شورایی آمد مقابله می کرد تا سرانجام در میدان توپخانه (سپه) بهارستان و خیابان اکباتان ، تانکها به مقابله با مردم رفتند و در این برخورد عده زیادی کشته و مجروح شدند . بهارستانها بخصوص بهارستان سنابلو از زخمی شده بود . جنازه‌ها بر سردست های مردم در جلوجمعیت تظاهر کننده حرکت داده می شد مردم از پس آن شمار می دادند . مقارن ظهر شور و هیجان مردم به اوج خود رسید . نظریه‌های تظاهراتی در شهرهای دیگر ایران نیز برپا شده بود . اخبار تظاهرات و قیام مردم مرتباً به دینار و قوام می رسید . برادر شاه ، شاهپور علی‌رشته خیابان آمده بود و شام بود که در چهار راه آب سردار (خیابان زاله) شصتاه مردم شلیک می کرد . مستشاران نظامی امریکا که آن موقع در ارتش بودند ، خطر تمسرد و سرپیچی در ارتش را خاطرنشان ساختند و تقاضای تفرقه بیندازند و امرای ارتش در چند نقطه تهران از تیراندازی به مردم خودداری کردند و به مردم پیوستند . از حظه در خیابان شاه آباد نزدیک میدان مخیرالدوله اسری از داخل تانک بیرون آمد . اعلام کرد :

دروزی سی تیر کارخانه همدانشگاهها ، مدارس ، بازار ، کسبه و تاندازه‌های ادارات به حال تعطیل درآمدند . پس از یکی دو ساعت دانشگهان اتوبوس هاوانگسی هاهم دست از کسار کشیدند و شهر تهران بیکباره به حال اعتصاب درآمد .

تظاهرات از صبح از خیابانهای اطراف بازار ، بوذرجمهری ، ناصرخسر و سروس ، خمام ، پاناروبرق شروع شد و به طرف توپخانه و اکباتان پیش رفت نیروهای ارتش ابتدا با یورش های سر نیزه و سپس با شلیک تیروه کاربردن تفنگ و مسلسل با جمعی که بسوی مجلس شورایی آمد مقابله می کرد تا سرانجام در میدان توپخانه (سپه) بهارستان و خیابان اکباتان ، تانکها به مقابله با مردم رفتند و در این برخورد عده زیادی کشته و مجروح شدند . بهارستانها بخصوص بهارستان سنابلو از زخمی شده بود . جنازه‌ها بر سردست های مردم در جلوجمعیت تظاهر کننده حرکت داده می شد مردم از پس آن شمار می دادند . مقارن ظهر شور و هیجان مردم به اوج خود رسید . نظریه‌های تظاهراتی در شهرهای دیگر ایران نیز برپا شده بود . اخبار تظاهرات و قیام مردم مرتباً به دینار و قوام می رسید . برادر شاه ، شاهپور علی‌رشته خیابان آمده بود و شام بود که در چهار راه آب سردار (خیابان زاله) شصتاه مردم شلیک می کرد . مستشاران نظامی امریکا که آن موقع در ارتش بودند ، خطر تمسرد و سرپیچی در ارتش را خاطرنشان ساختند و تقاضای تفرقه بیندازند و امرای ارتش در چند نقطه تهران از تیراندازی به مردم خودداری کردند و به مردم پیوستند . از حظه در خیابان شاه آباد نزدیک میدان مخیرالدوله اسری از داخل تانک بیرون آمد . اعلام کرد :

تیراندازی به مردم از این افرشرف و خلقی به شدت استقبال کردند . سفیر امریکای قوام مردم به هراس افتاد و به دربار اعلام خطر کرد .

اواخر گسترش مبارزات مردم و باسندگی ارتش و سرنگونی رژیم سلطنتی را کوشید کرد . نکته برجسته در این تظاهرات ، رمزنگی مردم در مقابل به باناکها و مسلسل ها و نیز دادن شعارهای مدد برای وضد شاه از جانب آنان بود . عناصر دست راستی حسیه ملی با دادن شعارهای ضد درباری مخالفت می کردند . اینها طرفداران آیت اله کاشانی و بنائشی نظیر شمس قنات آبادی و شعبان بی می بودند که هنوز در صفوف حسیه ملی باقی بودند . نیروهای چپ برعکس روی شعارهای ضد شاه اصرار می کردند .

در بعد از ظهر رزمه هائی شنیده می شد که مردم قصد حمله به کاخ شهباه را دارند . مردم قبلاً مجسمه شاه در پارک شهر را که هنوز برده برداری نشده بود به آتش کشید ه و تا نیمه پائین کشیدند . سرانجام با شهادت هفتاد و چند نفر (که در این بابویه به خاک سپردمتداند) وضد هارخمی در تهران ، در ساعت سه بعد از ظهر سی تیر در بارو امپریالیسم وحشت زده عقب نشستند و از گتکت مصدق را پذیرفتند .

این بار مصدق با نیروهای خود معاً به نخست وزیری رسید . بدین ترتیب مردم ایران در برتر اتحاد ، وحدت عمل در میدان مبارزه حرکت قابل توجهی در مقابل مادشمن ، روزمندی و از خودگذشتگی به پروری بزرگی نائل شدند و یک روز افتخار آسز در تاریخ مبارزات مردم ایران به نیت رسید . آنچه قام سی ام تیر بر جسته بی سارز آن است که مردم ایران یعنی کارگران ، زحمکنان ، دانشجویمان ، دهقانان ، دانش آموزان ، بازاریمان ، کسبه ، کارمندان ، همه همه مردم از خرد و کلان ، زن و مرد و وحدت و یکپارچگی خود را در میدان مبارزه ، در کوچه و خیابان تحقق بخشیدند . نه در اطاق های درسته و پشت میزهای مذاکره . ایس تمام مردم و بر خورد ها و درگیری های

دروزی سی تیر کارخانه همدانشگاهها ، مدارس ، بازار ، کسبه و تاندازه‌های ادارات به حال تعطیل درآمدند . پس از یکی دو ساعت دانشگهان اتوبوس هاوانگسی هاهم دست از کسار کشیدند و شهر تهران بیکباره به حال اعتصاب درآمد .

تظاهرات از صبح از خیابانهای اطراف بازار ، بوذرجمهری ، ناصرخسر و سروس ، خمام ، پاناروبرق شروع شد و به طرف توپخانه و اکباتان پیش رفت نیروهای ارتش ابتدا با یورش های سر نیزه و سپس با شلیک تیروه کاربردن تفنگ و مسلسل با جمعی که بسوی مجلس شورایی آمد مقابله می کرد تا سرانجام در میدان توپخانه (سپه) بهارستان و خیابان اکباتان ، تانکها به مقابله با مردم رفتند و در این برخورد عده زیادی کشته و مجروح شدند . بهارستانها بخصوص بهارستان سنابلو از زخمی شده بود . جنازه‌ها بر سردست های مردم در جلوجمعیت تظاهر کننده حرکت داده می شد مردم از پس آن شمار می دادند . مقارن ظهر شور و هیجان مردم به اوج خود رسید . نظریه‌های تظاهراتی در شهرهای دیگر ایران نیز برپا شده بود . اخبار تظاهرات و قیام مردم مرتباً به دینار و قوام می رسید . برادر شاه ، شاهپور علی‌رشته خیابان آمده بود و شام بود که در چهار راه آب سردار (خیابان زاله) شصتاه مردم شلیک می کرد . مستشاران نظامی امریکا که آن موقع در ارتش بودند ، خطر تمسرد و سرپیچی در ارتش را خاطرنشان ساختند و تقاضای تفرقه بیندازند و امرای ارتش در چند نقطه تهران از تیراندازی به مردم خودداری کردند و به مردم پیوستند . از حظه در خیابان شاه آباد نزدیک میدان مخیرالدوله اسری از داخل تانک بیرون آمد . اعلام کرد :

تیراندازی به مردم از این افرشرف و خلقی به شدت استقبال کردند . سفیر امریکای قوام مردم به هراس افتاد و به دربار اعلام خطر کرد .

اواخر گسترش مبارزات مردم و باسندگی ارتش و سرنگونی رژیم سلطنتی را کوشید کرد . نکته برجسته در این تظاهرات ، رمزنگی مردم در مقابل به باناکها و مسلسل ها و نیز دادن شعارهای مدد برای وضد شاه از جانب آنان بود . عناصر دست راستی حسیه ملی با دادن شعارهای ضد درباری مخالفت می کردند . اینها طرفداران آیت اله کاشانی و بنائشی نظیر شمس قنات آبادی و شعبان بی می بودند که هنوز در صفوف حسیه ملی باقی بودند . نیروهای چپ برعکس روی شعارهای ضد شاه اصرار می کردند .

در بعد از ظهر رزمه هائی شنیده می شد که مردم قصد حمله به کاخ شهباه را دارند . مردم قبلاً مجسمه شاه در پارک شهر را که هنوز برده برداری نشده بود به آتش کشید ه و تا نیمه پائین کشیدند . سرانجام با شهادت هفتاد و چند نفر (که در این بابویه به خاک سپردمتداند) وضد هارخمی در تهران ، در ساعت سه بعد از ظهر سی تیر در بارو امپریالیسم وحشت زده عقب نشستند و از گتکت مصدق را پذیرفتند .

این بار مصدق با نیروهای خود معاً به نخست وزیری رسید . بدین ترتیب مردم ایران در برتر اتحاد ، وحدت عمل در میدان مبارزه حرکت قابل توجهی در مقابل مادشمن ، روزمندی و از خودگذشتگی به پروری بزرگی نائل شدند و یک روز افتخار آسز در تاریخ مبارزات مردم ایران به نیت رسید . آنچه قام سی ام تیر بر جسته بی سارز آن است که مردم ایران یعنی کارگران ، زحمکنان ، دانشجویمان ، دهقانان ، دانش آموزان ، بازاریمان ، کسبه ، کارمندان ، همه همه مردم از خرد و کلان ، زن و مرد و وحدت و یکپارچگی خود را در میدان مبارزه ، در کوچه و خیابان تحقق بخشیدند . نه در اطاق های درسته و پشت میزهای مذاکره . ایس تمام مردم و بر خورد ها و درگیری های

دروزی سی تیر کارخانه همدانشگاهها ، مدارس ، بازار ، کسبه و تاندازه‌های ادارات به حال تعطیل درآمدند . پس از یکی دو ساعت دانشگهان اتوبوس هاوانگسی هاهم دست از کسار کشیدند و شهر تهران بیکباره به حال اعتصاب درآمد .

تظاهرات از صبح از خیابانهای اطراف بازار ، بوذرجمهری ، ناصرخسر و سروس ، خمام ، پاناروبرق شروع شد و به طرف توپخانه و اکباتان پیش رفت نیروهای ارتش ابتدا با یورش های سر نیزه و سپس با شلیک تیروه کاربردن تفنگ و مسلسل با جمعی که بسوی مجلس شورایی آمد مقابله می کرد تا سرانجام در میدان توپخانه (سپه) بهارستان و خیابان اکباتان ، تانکها به مقابله با مردم رفتند و در این برخورد عده زیادی کشته و مجروح شدند . بهارستانها بخصوص بهارستان سنابلو از زخمی شده بود . جنازه‌ها بر سردست های مردم در جلوجمعیت تظاهر کننده حرکت داده می شد مردم از پس آن شمار می دادند . مقارن ظهر شور و هیجان مردم به اوج خود رسید . نظریه‌های تظاهراتی در شهرهای دیگر ایران نیز برپا شده بود . اخبار تظاهرات و قیام مردم مرتباً به دینار و قوام می رسید . برادر شاه ، شاهپور علی‌رشته خیابان آمده بود و شام بود که در چهار راه آب سردار (خیابان زاله) شصتاه مردم شلیک می کرد . مستشاران نظامی امریکا که آن موقع در ارتش بودند ، خطر تمسرد و سرپیچی در ارتش را خاطرنشان ساختند و تقاضای تفرقه بیندازند و امرای ارتش در چند نقطه تهران از تیراندازی به مردم خودداری کردند و به مردم پیوستند . از حظه در خیابان شاه آباد نزدیک میدان مخیرالدوله اسری از داخل تانک بیرون آمد . اعلام کرد :

تیراندازی به مردم از این افرشرف و خلقی به شدت استقبال کردند . سفیر امریکای قوام مردم به هراس افتاد و به دربار اعلام خطر کرد .

اواخر گسترش مبارزات مردم و باسندگی ارتش و سرنگونی رژیم سلطنتی را کوشید کرد . نکته برجسته در این تظاهرات ، رمزنگی مردم در مقابل به باناکها و مسلسل ها و نیز دادن شعارهای مدد برای وضد شاه از جانب آنان بود . عناصر دست راستی حسیه ملی با دادن شعارهای ضد درباری مخالفت می کردند . اینها طرفداران آیت اله کاشانی و بنائشی نظیر شمس قنات آبادی و شعبان بی می بودند که هنوز در صفوف حسیه ملی باقی بودند . نیروهای چپ برعکس روی شعارهای ضد شاه اصرار می کردند .

در بعد از ظهر رزمه هائی شنیده می شد که مردم قصد حمله به کاخ شهباه را دارند . مردم قبلاً مجسمه شاه در پارک شهر را که هنوز برده برداری نشده بود به آتش کشید ه و تا نیمه پائین کشیدند . سرانجام با شهادت هفتاد و چند نفر (که در این بابویه به خاک سپردمتداند) وضد هارخمی در تهران ، در ساعت سه بعد از ظهر سی تیر در بارو امپریالیسم وحشت زده عقب نشستند و از گتکت مصدق را پذیرفتند .

این بار مصدق با نیروهای خود معاً به نخست وزیری رسید . بدین ترتیب مردم ایران در برتر اتحاد ، وحدت عمل در میدان مبارزه حرکت قابل توجهی در مقابل مادشمن ، روزمندی و از خودگذشتگی به پروری بزرگی نائل شدند و یک روز افتخار آسز در تاریخ مبارزات مردم ایران به نیت رسید . آنچه قام سی ام تیر بر جسته بی سارز آن است که مردم ایران یعنی کارگران ، زحمکنان ، دانشجویمان ، دهقانان ، دانش آموزان ، بازاریمان ، کسبه ، کارمندان ، همه همه مردم از خرد و کلان ، زن و مرد و وحدت و یکپارچگی خود را در میدان مبارزه ، در کوچه و خیابان تحقق بخشیدند . نه در اطاق های درسته و پشت میزهای مذاکره . ایس تمام مردم و بر خورد ها و درگیری های

کار، مسکن، آزادی

جشن گندم بر زحمتکشان ترکمن صحرا مبارک باد

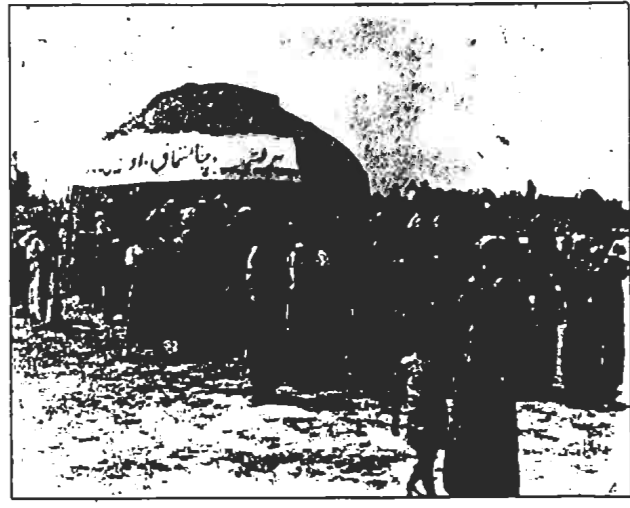
بد دعوت شورای دهقانی روستای کنگور از توابع کلاله (آی درویش) جهت برگزاری جشن گندم که یکی از سنن قدیم خلق ترکمن پس از برداشت محصول است مراسمی به همین مناسبت در روز جمعه ۱۵ تیرماه در محل شورای روستای مرسور اجرا شد. در این جشن عده زیادی از روستائیان، نمایندگان ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و همچنین آسپای ارراش، روحانی مبارک گندم، شرکت داشتند.

دیوارهای محل شورا با تاعاره‌های اغلاسی نوئین شده بود، تاعاره‌هایی درآاره ضرورت اتحاد کارگران و دهقانان و ضرورت تشکیل شوراهای دهقانی و تحکیم آنها. مراسم در ساعت ۵ و ۶ صبح شروع شد.

در آغاز برنامه یکی از اعضای شورای دهقانی کنگور در مورد آداب و رسوم خلق ترکمن به ویژه جشن گندم که در دوران دیکتاتوری و اختناق به این صورت باشکوه برگزار نمی شد سخن گفت. سپس به بازبینی گرفتن زمینهای منصوبی از غاصبین که همه از مزدوران رژیم منگور پهلوی بودند، اشاره نمود و تاکید کرد که فقط با اتحاد و اتفاق دهقانان چنین کاری امکان پذیر است.

آقای ارراش، روحانی مبارک گندم در این مراسم، جشن گندم را به زحمتکشان تبریک گفت و آنگاه در برابر نامت تاعاره‌ها را که همان زمینداران ناصی و عماله آسپای باشند و همچنین سرورب مقابله دهقانان با آنها سخن گفت. او تاکید کرد که زمینداران با نسیان اصلی جنگ تحمیلی ۹ روزه گنبد بودند. ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا سر در پیام خود صن تبریک جشن گندم عنوان نمود که "ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا از درون مبارزات پیگیر مردم تحت ستم این منطقه به وجود آمده و تجلی اراده توده‌های تحت ستم است در دست دیگری از پیام گفته شد."

بلکه جنگی بود پس زمینداران غاصب که از حمایت دولت برخوردار بودند و زحمتکشان غارت شده. در این مراسم سامهائی نیز از کالون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن - شاخه کلاله، کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن ناحیه بندر ترکمن، چندین پیام از شوراهای دهقانی محلی از جمله روستاهای "دهد" "گمب تپه"، "امیر"، "تاتار علیا" "تغره قره بوری" و... خوانده شد. طی این جشن باشکوه هنرمندان ترکمن ترانه های پرشوری اجرا کردند. جشن گندم که شاه شرایط سیاسی کنونی و آگاهی روزافزون زحمتکشان ترکمن صحرا کفشتی فراتر از یک جشن معمولی میگذرد، بود و در صورتی که در این تحکیم پیوند اجتماعی و سیاسی آسپان بدل شده بود، در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر پایان یافت.



زحمتکشان روستای زینوند مرتجعین را افشاء میکنند

برآمدند. بر طبق روش معمول در این روستاکنون در برداشت محصول ۶۶٪ به ارباب و ۳۴٪ به کشاورزی رسید. اما پس از اعتصاب و مبارزات بی گسری که متحدان از طرف زحمتکشان روستا انجام شد، عده‌ای از مالکین را وادار کردیم که محصول به نسبت ۵۰-۵۰ بین ارباب و مالکین دیگر تقسیم گردد. این توافق از جانب مالکین دیگر زنگ خطری به حساب آمد. و به این جهت بود که آنان در صورت تحریکات و توطئه‌های جدید برآمدند. این تجاوزات تاکنون با تاعاره‌ها بمنازل و مزارع کشاورزان، ابراد صرب و جرح نسبت به اهالی و قطع درختان میوه و آسیب رساندن به وسایل مکانیکی و حتی کشاورزان همراه بوده است.

اما کشاورزان با حفظ وحدت خود تاکنون به خوبی با توطئه گری همساز و با استفاده از تجربیات سایر روستائیان در جلوگیری از تجاوزات مالکین از طریق شوراهای روستایی هر چه بیشتر خواهند کوشید که با انتخاب اشخاص صالح و آگاه از بین زحمتکشان ترین افراد روستا ایجاد و تقویت شوراهای دهقانی خودکوشن کنند.

بهشهر - اخیرا گزارشی از زحمتکشان (خوشنشینهای) فریب‌زینوند از توابع بهشهر به دست ما رسیده که به افشاءگری و ناهنجاری عوامل مرتجع در این منطقه اشاره کرده اند که در زیر به خلاصه‌ای از این گزارش می پردازیم. از آغاز حرکت انقلابی خلقهای سپنمان که با شرکت در راهپیمایی و نظاره‌ها در بهشهر و نگاه دوشادوش سایر مردم مبارز در مسازرات شرکت می کردیم در این گیرودار چندین نفر از عوامل سخته شده سعی در برهم زدن اجتماعات داشتند. از آن حمله یکی از مرتجعین و سرپرندگان رژیم سابق است که با گزارشی به پاسگاه ژاندارمری بهشهر باعث پورش چندین نفر ژاندارم به روستا شد که در این ماجرا تعدادی از روستائیان مورد ضرب و ستم قرار گرفتند. اوسپن با ایجاد آتش‌سوزی مصنوعی در خانه خود از ۲ تا ۳ حیوانات مار و قریه به پاسگاه شکایت کرد. لازم به توضیح است که عوامل مرتجع مزبور که منافعتان در این روستا به خاطر افتاد و در برحوصه قیام با اعلام وفاداری به رژیم حنایکار شاه صریحا اظهار جان نشانی می کردند. اما خوشنشین های زینوند در صدد بازپس گرفتن حقوق از دست رفته شان

خواسته های اهالی روستای مقصود آباد

نمازهای بهداشتی این روستا ۳- چون اغلب اهالی این روستا به دلیل تعصبات مذهبی از تحصیل دختران خود در مدارس محلی جلوگیری می کنند، احداث مدارس ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان دخترانه و پسرانه بخور مستقل ضروری است. ۴- وام بدون بهره و کود و سم و تقسیم عادلانه آن بین اهالی زحمتکشان روستا.

هنوز در بسیاری از روستاهای ایران مردم با ابتدائی ترین مشکلات زندگی دستبزنند. نامه‌ای از روستای مقصود آباد شهرستان ساوه به دست ما رسیده است که در آن خواسته‌های رفاهی مردم به شرح زیر توضیح داده شده است: ۱- آب لوله کشی و برق. ۲- ساختن درمانگاه و تأمین سرم

نامه گروهی از مردم ترکمن صحرا به دادستان کل انقلاب اسلامی؛

به مزدوران اجازه توطئه ندهید

دادستان کل انقلاب اسلامی مدتی است که با تعلق نداشتن روحانی نما که اعمال سابقه رژیم سابق بوده و یکی از عناصر برپا کننده تظاهرات چماق بدستان ستم سپن ماه ۱۳۵۷ بود که منجر به شهادت بیش از هزار اهالی سی گاه گنبد گردید و دارای نشان درجه ۳ همایونی از شاه مخلوع می باشد، پس از مدتی فرار به گنبد بازگشته و توطئه گری خود مردمی را آغاز نموده است. حای بسی نجیب است که اینگونه جنایتکاران کسد مدارک و شواهد متعددی سنی برخاست آنها به رژیم سابق و عزتک معالنه شان

نامه دهقانان سروآباد و گرگه‌ای به نخست وزیر (موضع دولت در برابر یورش فئودالها چیست ؟)

وزیری، محمود محمودی، محمد ابراهیمی و توفیق یزدانی صادر کرده است. کشاورزان ادامه می دهند: "آقای فهیم، باید بدانند ما ۵ نفر نیستیم ۲۵۰۰ نفر بلکه بیشتریم اگر بنیاست تبعید شویم باید همه اقرا د مذکور تبعید شویم." دهقانان در نامه خود می گویند: "زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند" و اعلام می کنند: هر رای که از طرف "یکپه تسی جوتیاران مریوان و اورامان" (اتحادیه دهقانان مریوان و اورامان) تأیید نشود مردود است و برای هیچ کشاورزی در منطقه مریوان و اورامان قابل قبول نیست. کشاورزان در پایان از دولت وقت آقای بازگان مصرانه خواستند که موضع خود را در برابر یورش فئودالها و مرتجعین منطقه روشن کند.

ضد انقلابیون و توطئه‌گران واقعی بختیاری چه کسانی هستند؟

همانطور که قبلا به اطلاع هموطنان رساندیم، پس از تحقیق درباره حیرت "ضد انقلاب در بختیاری توطئه می کند" که در شماره ۱۸ نشریه کارچاپ شده بود، حقایق آشکار گردید و چهره واقعی ضد انقلابیون و توطئه گران که وابسته به رژیم گذشته بودند می خواستند با "انقلابی نمائی" و عوام فریبی ماهیت ضد مردمی خود را پنهان ساخته و بار دیگر برای خود موقعیتی دست و پا کردند و نیروهای مترقی را اغتشاشگر معرفی نمایند، اما توسط خود مردم مبارز بختیاری پرده از روی اعمال ننگینشان برداشته شد. مابرای آگاهی هموطنان از بابت واقعی افشاء توطئه‌های این عناصر ارتجاعی و ضد انقلابی شرح کامل وقایع را در اینجا به چاپ می رسانیم.

پس از قیام شکوهمند خلق و سرنگونی رژیم منگور پهلوی، مثل بسیاری از نقاط دیگر ایران، ضد انقلاب در بختیاری نیز به تکیه بر خاستگاه تا شاید بتواند با تلاشهای مذبوحانه خویش به هر رنگ و نیرنگی که شده است، با رد برگره علیه خلق ستمدیده ایران وارد عرصه حیات جدید سیاسی کشور گردد. ضد انقلابیون این منطقه در صدد برآمدند تا با شیوه‌های روز و مردم پسند وارد معرکه عمل شوند. پس از ماهها تلاش و نگار پویس از شور و مشورت بسیار که با هم داشتند، قرار می گذارند با تشکیل انجمنی به نام انجمن مرکزی بختیاری به نیت سوء نقشه‌های پلیس و شبیطانی خود جامه عمل بپوشانند اما با شناختی که مردم بختیاری از گردانندگان این تشکیلات داشتند و می دانستند که اینها همان همکاران رژیم پهلوی و اکثر ا اعمال ساواک بوده اند به خنکی کردند اقدامات کنیشتان می‌گوشند. گردانندگان اصلی انجمن به اصطلاح مرکزی بختیاری خود را در پس پرده پنهان کرده و تلاش می کنند تا بار دیگر شیوه‌های گذشته زندگی خود را که سینی بر غارت و چوپا و ل و انحصار طبیبی و غیره است بر مردم بچاره و بی پناه بختیاری تحمیل نمایند. پس از دعوت مردم به سالن ورزشی

شوراهای روستائی جاهای غصب شده را بازپس گرفتند.

آق قلا - روستاهای کرد، شفتالو باغ علیا، شفتالو باغ سفلی، قزل‌سی و قره تپه از توابع آق قلا، بعد از ایجاد شورای روستائی تصمیم گرفتند جاهای روستا را هم از فئودالها بازپس بگیرند این جاهها که سابقا بابت زمین تا مین آب آتامدنی مردم منطقه با بودجه اداره آبیاری سابق حفر شده بود، باز و بند غاصبان به تصرف آنها درآمد و حدود ۱۲ سال برای آبیاری زمین های زیر کشت این غاصبان استفاده شد و دهقانان همیشه حتی برای تأمین آب آتامدنی خود نیز در مصیقه بودند. این جاهها اکنون به کتک شوراهای روستائی کسد مرکب از نمایندگان واقعی زحمتکشان منطقه اند بازپس گرفته شده و روستائیان می خواهند از این جاهها به روستاهای خود لوله کشی کنند.

اهالی چند روستای مرگور تشکیل شورادادند

ارومیه با آگاه شدن روستائیان زحمتکشان به لزوم تشکیل و یکپارچگی خود به خاطر مقابله با زور و نیرنگ زمینداران، همروزه شاهد تشکیل شوراهای اتحادیه های جدید دهقانی هستیم. اخیرا در روستاهای دیزج، گردوان کابر، گردک، زار آباد و خراسپ در منطقه مرگور نیز شوراهای دهقانی تشکیل شده است.

خواستهای روستائیان بسیار از دولت

سنندج - روستای بسیاران یکی از دور افتاده ترین دهاب کردستان است که ۸ هزار نفر جمعیت دارد. اهالی این روستا در تاریخ ۵ تیرماه اجتمای برپا کردند و طی قطعنامه‌ای از دولت تقاضای رسیدگی فوری به خواسته‌های خویش را نمودند. مهمترین خواسته‌های روستائیان تأمین پزشک و دارو، تأمین دبیران دوره راهنمایی، ساختن حاده تاشهر، ایجاد حمام، تأمین برق ده و بالاخره دادن وام سی سهره به زحمتکشان روستا است.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق به : پرسنل مبارز و انقلابی ارتش

چریکهای ساند نیست حمله گسترده خود را برای تصرف پایتخت آغاز کرده اند



گمارده اند. فردی که البته نه هر روز برای پرسنل مبارز و انقلابی خط و نشان می کشد و آنها را تهدید به سرکوب و تصفیه می نماید و بنا به اهمیت خود نمی تواند در کنگره که پیش گذشته و آنچه امروز وجود دارد یک قیام بزرگ فاصله است. که در نتیجه آن توده ها آمیخته اند چگونه با تمام بندهای افسار و بندگی و قوانین ارتجاعی به مبارزه برخیزند.

فرماندهان باید مورد اعتماد سربازان، درجه داران، همافران و افسران حزبی که همه بار فشار و محرومیت بردوش آنها است باشند و نه هیچ نیروی دیگری.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در راه تأسیس و پشتیبانی از خواسته های برحق و عادلانه همافران و سربازان مبارز و انقلابی ارتش اعلام می دارد:

۱- تنها ارتشی می تواند حافظ استقلال واقعی میهن و مدافع دستاوردهای مبارزان انقلابی خلق باشد که اساس آن از توده های مبارز و پرسنل انقلابی ارتش تشکیل شده باشد.

۲- در ارتش انقلابی و مردمی، شورای سربازان درجه داران، همافران و افسران جز' تنها مرجع تصمیم گیری درباره امور مربوط به خود خواهند بود. حق شرکت در تصمیم گیری فرماندهان و حق شرکت در تدوین خط مشی ها و سیاستهای ارتش از حقوق اساسی آنهاست.

۳- تمام قراردادهای نظامی بین ایران و سایر کشورهای امپریالیستی هر چه سریعتر باید لغو شده و همه مستشاران خارجی باید از صحنه مآخراج گردند.

۴- توده های مبارز خلق هرگز اجازه نخواهند داد به بهانه تهیه لوازم جنگی برای مبارزین مسلحی که به قصد تبدیل ایران به زادبوم امپریالیست خاورمیانه تهیه شده، پیوسته و ایستگی به امریکا و استخدام مستشاران کشورهای امپریالیستی را دوباره برگردانند.

۵- ما توطئه ایجاد دفاع و دوستی میان پرسنل جز' ارتش را شدیداً محکوم می کنیم.

۶- ما بر مزه خلق سلاح نیروهای انقلابی و مبارزین خلق را خرابی علیه آرمان انقلابی مردم تلقی کرده و از تمام نیروهای انقلابی و مبارزی خواهیم علیه جنس توطئه ها را به مقابله برخیزند.

۷- ما هرگونه توطئه جهت سرکوب پرسنل مبارز و انقلابی و منحس و متعصب نسبت به اعمال فشار و احتیاج در ارتش را محکوم می کنیم.

۸- ما خواهان رسیدگی هر چه سریعتر به خواسته های همافران متعصب و سرباز پرسنل مبارز و انقلابی که همواره سهم بزرگی در مقابله با متعصبین و سرکوبگران برعهده داشتند می باشیم.

۹- همچنین از پرسنل مبارز و انقلابی ارتش می خواهیم که با انعکاس وسیع و مکرر خواسته هایشان از طریق مطوعات، اعلامیه، بیانیه و سایر وسایل مورد دسترس، هدفشان را به گوش همه مردم، سازمانها و نیروهای مترقی و انقلابی جامعه برسانند.

۱۰- ما نیروها، سازمانها و گروههای مترقی و انقلابی می خواهیم تا انعکاس هر چه وسیعتر خواسته های پرسنل مبارز و انقلابی ارتش، عملیات مبارزه آنها، شرکت و از خواسته های آنها پشتیبانی نمایند.

نیروهای مترجم و صد انقلابی درون ارتش باید بدانند که پرسنل مبارز و انقلابی در مقابل حرکت ارتجاعی آنها با تمام نیرو و توان خویش مقاومت کرده و مامت ارتجاعی این اعمال را افشا خواهند نمود.

در اس مبارزه عادلانه پرسنل مبارز و انقلابی مسلحاً پشتیبانی توده های زحمتکش خلق را به همراه خواهند داشت و در اتحاد آنها در راه تحقق آرمانهای انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی میهن کام بر خواهند داشت.

شرط سروری حمی هر نیروی انقلابی و وحدت با توده های زحمتکش خلق است.
متحکم با وجود برزنده نیروهای انقلابی و مبارز مرگ امپریالیسم امریکا و مزدورانش درود بر پرسنل انقلابی و مبارزان ارتش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۲۲ تیرماه ۱۳۵۸

ارتش به هیچ وجه در جهت اهداف قیام توده ها بازسازی نمی شود. این واقعیتی است که در پیش چشم مادر حال تکوین و شکل گیری است و مسئله ای است که از قبل می شد آن را پیش بینی نمود.

این محافظه کاری و سازشکاری که دولت در پیش گرفته، نتایج طبیعی اش علیه کامل نیروهای ضد خلقی و احیای نپادهایی است که مردم به خاطر نابودی آن قیام کرده اند و بازسازی مجدد ارتش به شیوه سابق خود نمونه ای از آن است.

اکنون مبارزهای آشکار و پنهان با حدت هر چه تمامتر میان نیروهای انقلابی و ترقیخواه جامعه و مدافعین دستاوردهای قیام و ادامه آن تا محو کامل سلطه امپریالیسم از یک سو و از سوی دیگر نیروهای مترجمی که خواهان بازگشت ترمیم و بازسازی نپادهای گذشته می باشند، در تمام زمینه ها در جریان است. بدون شک نتیجه این مبارزه سرنوشت ساز، انقلابی خواهد بود. بخش خلق ماست.

دولتی که نمی تواند انقلابی باشد و از عمل انقلابی توده ها پیش از توطئه گیری های عوامل وابسته به امپریالیسم در هراس است، دولتی که هر روز نیروهای انقلابی و مبارزان را در حمله قرار داده و از مبارزه حق طلبانه کارگران، دهقانان و زحمتکشان به عنوان صد انقلاب یاد می کند، دولتی که شتابان در راه بازسازی و ترمیم خرابی های سرمایه داری و بسته کام برمی دارد و خسارات سرمایه داران وابسته را از کسبه مردم برداشت می کند و در پاسخ به خواسته های حق طلبانه خلقهای ستمدیده جنگ و دندان نشان می دهد و رادیو و تلویزیونش مدام دست به انتشار اخبار غریب واقعی و تحریک آمیز علیه نیروهای مترقی و انقلابی می زند. چنین دولتی مسلماً بازسازی ارتش را همان آتش نامه هسا نظام نامه های ارتجاعی گذشته و طیفه خود می داند.

هم اکنون هزاران نواز پرسنل مبارز و انقلابی ارتش در راه س آنها همافران به اعتراض علیه اعمال شیوه های ضد انقلابی و سرکوبگرانه دست به اعتراض و تحصن گسترده ای در سراسر ایران زده اند و دامنه ایگونه اعتراض روز به روز گسترش بیشتری می یابد. اعتراضی که منکس کننده خواسته های رده های پایین ارتش است. سربوهایی که در تمام طول حیات اس ارتش جز تحمیر و محرومیت و عقاب سهمی نبرده اند. و پرسنل انقلابی ارتش از میان آنها بر جسته اند. و بدیم که آنها در دوران قیام و به ویژه همراهان مانده های تمام گذشته در روزهای ۲۲ و ۲۱ تیرماه به مقابله با توطئه های فرماندهان مزدور و خود فروخته رساختند و همستگی انقلابی خود را با خلق درمیان نبرد با دشمن مشترک به عالیترین شکل نشان دادند.

خلق ما با دقت قهرمانی های پرسنل مبارز و انقلابی ارتش با د جانبازان پادگان لوزان و نیروی هوایی و صد هاسته گرام دیگر را در قلب بزرگ خویش جاودان ساخته است. اما امروز آنها که هیچگونه شرکت عملی و واقعی در مبارزات خونین مردم نداشتند و تنها فرصت طلبانه در کسب بودیدا نا هنگام برآرسیدن پیروزی آن را برای خود مطالبه نمایند، همچون سیه چینیان انقلاب پستیهای فرماندهی را اشغال کرده اند و پرسنل انقلابی و مبارزی را که برای پیشبرد انقلاب و محتوم آتار نظام و ایستگی در ارتش مبارزه می کنند را دشمن خود می شمارند. دسته دیگری از فرصت طلبان و مسوه چنان انقلاب با حمله به ظاهرات سالمات آیز کارگران و زحمتکشان نظیر آنچه در اصفهان و خرم دره اتفاق افتاد، از طریق گروههای فشار و عناصر ترساکند، توده های اصلی شرکت کنند در قیام راه خاکو خون می کشند.

آنها با تهورهای انقلابی کارگران و دهقانان و سراسر زحمتکشان سرخستانه به مخالفت برخاسته اند. تلاش در جهت لکه دار ساختن حسنت نیروهای انقلابی و مبارز در اذهان توده ها و به راه انداختن جنگ تبلیغاتی علیه آنها ایجاد گروههای شبه فاشستی فشار علیه نیروهای دموکراتیک و انقلابی و استفاده از رادیو و تلویزیون جهت تحریف حقائق و تحریک مردم علیه خلقها و انقلابیون واقعی، تدوین و تصویب قوانین ضد دموکراتیک نظیر قانون 'جرایم ضد انقلاب' که نسخه بدل قوانین رژیم سرنگون شده است و لایحه مطوعات و پرسی- نوسن گذاری قانون اساسی... و نمونه های دیگر از عملکردهای این گروه است.

اکنون نیروهای حاکم با زور فشار قرار دادن پرسنل مبارز و انقلابی ارتش جهت پذیرش اطاعت کورکورانه از ما و سوز و تشبیه نظامنامه ها و آتش نامه های ارتجاعی گذشته، می گویند تا حرکت غیر دموکراتیک و ضد انقلابی خود را در جهت بازسازی و ترمیم مجدد ارتش بر اساس همان روابط و ضوابط ضد خلقی تداوم بخشد. در این مسیر طرح عفو عمومی جانشین به خلقی در ارتش را به مورد اجرا کرده و عالیه اعلام حریمهای مکرر می که علیه عناصر معلوم الحالی تلنر فلاحی می شود، توجه نمی کنند دولت سازشکار موجود زور سوش ضرورت استفاده از وسایل پیچیده و پیشرفته ارتش که تنها به درد حفظ مقام زاندار مری ایران در منطقه می خورد. می گویند و ایستگی نظامی ایسرا را همچنان به امپریالیسم امریکا و مستشاران نظامی آنها حفظ کند و به همین دلیل از لغو قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا سرباز می زنند به بهانه ناز به گادری، منحصم! همچنان مبردهای مترجم به سرسریه همان ارتش شاهنشاهی نظیر فرید که سالها پیشه شناختنی بسته گذشته منقول بود و فلاحی که حر' عوامیل کشتار مردم شراز می باشد و با همه همکاری نزدیک با ارتش امریکا در رویتار داشته، در پستیهای فرماندهی ارتش قرار دادند و از سوی دیگر افراد بی صلاحیت و نادانی چون امر رجمی کسه می خواهد با سرکوب پرسنل انقلابی به هر قیمت که شده اطاعت کورکورانه راه ارتش باز گرداند، راه فرماندهی در زمان

زمانی استعفا می دهد که چریکهای ساندی نیست گارد ملی و حزب لبرال وی را منحل نکنند. سومرا گفت امریکانیز با شراست استعفا می بومی است. اما نتوانست است موافقت چریکهای ساندی نیست را با شراط خود جلب کند. یک سخنگوی ساندی نیست ها در سان حوزه پایتخت کومستار کافت انقلابیون نیکاراکو و مردم این کشور شراطی سوموزادیکتاتور را نخواهند پذیرفت.

چریکهای ساندی نیست با موفقیت کامل به حمله های گسترده خود در جهت تصرف ماناگوا پایتخت نیکاراکو ادامه می دهند در پی رد پیشنهاد 'میرا' از سوی چریکهای ساندی نیست هواپیماها ی گارد ملی نیکاراکو به بمباران مناطق سکونی مبادرت کرده اند. به گفته اس خبرگزاری در بمباران شهرمانا سبادر ست و هفت کیلومتری جنوب ماناکسو توسط هواپیماهای گارد ملی تسخیر شد. بشماره ای افراد غیر نظامی کشته شدند. همچنین گزارش داد هواپیماهای نیروی هوایی اناساز سوموزادیکتاتور نیکاراکو در بمباران مناطق سکونی از بمبهای آتش زا استفاده کرده اند از سوی دیگر به گزارش خبرگزاری ها چریکهای ساندی نیست که تاکنون به سروری های چشمگیری دست یافته اند خود را برای حمله به پایتخت نیکاراکو آماده می کنند. در این حال خبرگزاری ها از سان حوزه گزارش دادند اناساز سوموزادیکتاتور نیکاراکو در یک مصاحبه تلویزیونی با ردیگر آ مادگی خود را برای کناره گیری اعلام کرد اما گفت

بقیه از صفحه ۱

به جبهه آزادیبخش...

کدبتوان با نیروی عظیم و خلاق توده های کارگر و زحمتکش شهروستازمینسه ساختمان یک جامعه سوسیالیستی را فراهم کرد. مادر این مبارزه حمایت و پشتیبانی بی دریغ خود را از مبارزه خلق نیکاراکو اعلام می نماید و اطمینان داریم مبارزه خلق نیکاراکو و دولت موقت انقلابی به رهبری جبهه ساندینستامسورد تأیید همه انقلابیون و کشورهای انقلابی قرار می گیرد.

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سازمان ما معتقد است تنها ناپسند انونوی خلق نیکاراکو و دولت موقت انقلابی به رهبری جبهه ساندی نیست ها می باشد و از این جهت مصرا نه کوشش می کنادین مسئله از طرف دولت ایران پذیرفته شود.

رفقای رزمنده!

مبارزه مشترک خلقهای نیکاراکو و ایران هنوز راه درازی در پیش دارد. راهی کامل از سلطه امپریالیسم و مبارزه در راه خواسته های برحق کارگران و زحمتکشان و ایجاد یک جامعه آزاد و مستقل و دموکراتیک

کارگران کارخانه های کرایسلر انگلستان دست به اعتصاب زدند

در هفته های اخیر موج اعتراضات و اعتصابات کارگری برای اضافه دستزد بالا گرفته و دولت جدید محافظه کار را با مشکلات زیادی روبرو کرده است.

در هفته دوم سرمایه حدود ۲ هزار نفر از کارگران کارخانه "ویتون" برای رسیدن به خواسته هایشان دست به اعتصاب زدند. در پی این اعتصاب کارگران قسمت بسته بندی قطعات مادرانی به کارخانه ایران ناسیونال نیز از روز ۱۹ تیرماه به آنان پیوستند.

همزمان با این اعتصابات مذاکرات برای رسیدن به توافق در کارخانه های دیگر این گروه صنعتی ادامه داشت تا آنکه به علت آنکه مذاکرات سن کارفرمایان و کارگران به نتیجه نرسید کارگران قسمت موتور سازی این گروه نیز که حدود ۲۵۰۰ نفر هستند از ۲۰ تیرماه دست به اعتصاب زدند و اعلام کرده اند که تا پذیرفته شدن خواسته هایشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

حق تعیین سرنوشت خلق ها ضامن وحدت و یکپارچگی

بیمناصفحه ۱

گزارشی از اتحادیه شوراهای دهقانی ناحیه قاتار علیا

گنبد روستا و باتار علیا جزو روستاهای دهستان قجی از بخش خومه مرکزی گنبد کاووس است که در یکپارگی ۲۵ جنوب باختری شهرستان گنبد واقع شده است.

پس از به قدرت رسیدن خاندان مغور پهلوی و عمری و طویل شدن دستگاه اداری و هجوم سرمایه داران وابسته، اکثر زمینهای که به صورت تعاونی کشتی می شده است، به دست محدودی از مرتجعین و بردمداران رژیم پهلوی افتاد و زمینها کاملاً از دست دهقانان این روستا خارج گردید. هر چند که روستائیان نتوانستند باتار علیا مقاومت بخشدن در برابر سر متجاوزین از خود نشان دادند. اما خودکامان رژیم سابق، با زور سرنیزه و قتل و عارت مردم، توانستند زمینهای دهقانان زحمتکش را از دستشان بربایند.

یکی از عاصیان معروف روستائیان باتار حاجی حبه برفکنی (از اهالی بهل) را می توان نام برد. در این باره باید گفت که زمینهای منطقه باتار علیا را غصب کرد. سپس سرهنگ گودرزی که پیشتر منوچهر گودرزی وزیر مشاور و فتنه سوز بود، در ۲۷ هکتار از زمینهای روستا را صاحب شد. سرهنگ قنایی هم در رابطه با این عاصیان مقدار دیگری از زمینهای روستائیان را به زور تصاحب کرد. پس از این تمام زمینهای باتار و روستا را توسط اسبچو و لگاری غصب شد.

مقاومت کشاورزان در برابر سر متجاوزین عارتگر همیشه از زمینهای حاصلخیز روستا را در اختیار خود نگه داشتند و در نتیجه دوغور روستائیان راه زور تصاحب کرد. پس از این تمام زمینهای باتار و روستا را توسط اسبچو و لگاری غصب شد. سرهنگ قنایی هم در رابطه با این عاصیان مقدار دیگری از زمینهای روستائیان را به زور تصاحب کرد. پس از این تمام زمینهای باتار و روستا را توسط اسبچو و لگاری غصب شد.

با وجود این روستائیان کل کشور بود روستائیان به گلوله بسته شدند. در نتیجه دوغور روستائیان راه زور تصاحب کرد. پس از این تمام زمینهای باتار و روستا را توسط اسبچو و لگاری غصب شد.

با وجود این روستائیان کل کشور بود روستائیان به گلوله بسته شدند. در نتیجه دوغور روستائیان راه زور تصاحب کرد. پس از این تمام زمینهای باتار و روستا را توسط اسبچو و لگاری غصب شد.

نشانه اراده توده ها است

و انصافات شکوهمند سرزمین قبلی را سرنگون کرد، دیگر تن به اعمال ضد کارگری نمی دهد. به این علت است که کارگران پیشرو مبارزاتشان را در جهت اخراج مدیران و عناصر ضد کارگری همچنان ادامه می دهند. در زیر بار استبداد و ستمی کارگران و کارمندان و پرسنل انقلابی ارتزقی کوشیم مبارزات آنها را در این زمینه نشان بدهیم:

از سر به "بغ جنوب" شماره ۵ تحت عنوان کارگری از "اداره پاکسازی در اداره معمرات اهواز" می خوانیم که: "به نیت از روستای فسمه پندانه های ابراهیمان، ناصری و... که سابقه ضد کارگری آنها بر ما می کارکان آتسار بوده و سبیل کارگران همان فسمه پندانه های می شوند. مدیران بالای آنها را گویا با رفیع دوباره به کار می گمارند. کارگران شدیداً اعتراض می کنند. متأسفانه مدیران که امروز تماماً افراد ضد در صدد انقلابی، مومن و مبارز، شده اند. تهدید به استعفا می کنند و آقای نرسته هم از ترس اینکه مبادا دست تنها بمانند اختلاس کدانی خود را مینویسند. کارگران همچنان در امر نفع محض کار بافتاری می کنند. در مورد نخجی دیگری به نام آقای علی پاک، پرونده های تشکیل می دهند و سبیل کارگران را بافتاری می کنند. "گنبد" به اصطلاح "بهاز" "تحویل" می دهند که نتیجه ای نمی گیرند. بناچار کارگران از زمین خود چند نمانند و انتخاب می کنند و این نمایندگان مدتی است که به یک عده چند نفری برای تصحیح به این علت بود که هم اعتراض شدید خود را نشان دهند و هم وفاداری در کارهای پیش نباید تا از جماعت تغییر رنگ صد انقلابی و محروک و توطئه گرو... مضمون باشد. عده ای از کارگران معتقد بود موافقتند که به قول خودشان "مار را باید از سر کوبید" یعنی پاکسازی را از دست مدیران کسل شروع کرد.

همچنین در سر به "کارگران بشرو صفت نفت آماجاری شماره ۴ در گزارشی از "پاکسازی در شرکت ملی گاز" چنین می خوانیم که:

"شورای کارکنان عده ای از عناصر ضد انقلابی از جمله ارفع نهار و مرتضی را اخراج می کنند. آقای مرعشی مدت ۵ سال رئیس ناحیه پالایشگاه بید بلند بوده و تشکیل جلسه با فرمانده نظامی منطقه، سرهنگ مقدم، به منظور رسیدن کردن راهی برای شکستن انحصار نهارمانانه کارگران "از جمله خدمات" وی بوده است. او بارها کارگران را تهدید کرده و گفته بودیم می دانم که انقلاب به روز نمی شود و نوبت خواهد دید که چه چیزی از انقلابی به نشان دهم (۱۰۰) روز یکشنبه ۲۸ خرداد ماه ۱۳۵۸ آقای مرتضی مدیر عامل جدید شرکت ملی گاز به محل پالایشگاه آمده و با اخراج آنها مخالفت می کند ولی بافتاری های زیاد کارکنان قبول می کنند که فعلاً کسب کند آتشه شوند. ولی روز بعد از این افراد به محل پالایشگاه می آیند که با وضع اقتضای آمیزی آنها را بیرون می کنند و بار دیگر کلیه کارکنان با آوری شوند که با بازگشت این عناصر به مصمم وجه موافقت نخواهند کرد."

نادی رهائی "سره کارگران سو موو العاده شماره ۴ می خوانیم که: "شورای کارکنان به نیت از عناصر ضد کارگری را اخراج می کند. پس از اخراج آنها با زحم حقوق خویش را از سرمایه دار دریافت می کردند؟. این موضوع به همین ترتیب می ماند تا اینکه آقای بازگان اعلام می کنند شوراها نباید مدیران بلافاصله به وزارت کار برای بازگشت این سرفروشان می کنند. بارها بر سر این موضوع بین وزارت کار و شورا درگیری می شود ولی کارگران زیر بار بازگشت این عناصر ضد کارگری نمی روند. بالاخره فرار می شوند که این سرفروشان حضور کلیه کارگران با مدارک محاکمه شوند. کارگران مصمم ماطم دارند که از بازگشت این عناصر سرسریده به کارخانه جلوگیری کنند."

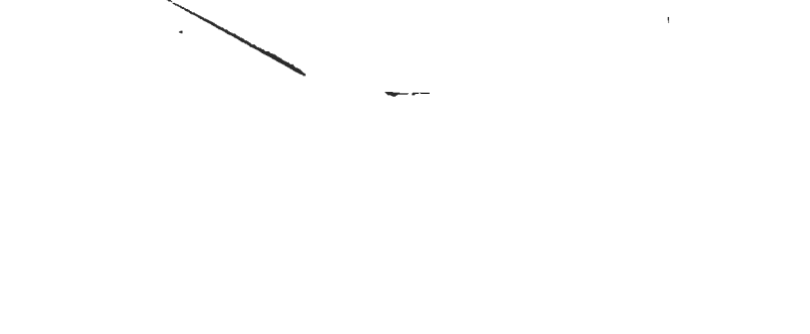
دولت دست دراز می کند و در این زمینه دخالتی نمی کند. وزیر امور اقتصادی و دارایی جناب آقای علی اردلان

عطف نامه شماره ۹۰۰۵ مورخ ۱۳۵۸/۴/۱۲ با تاسف و انزعاج از تحریکات و اختلالگری عده ای از کارکنان و ترهینی که نسبت به آقایان معاونین و مدیران آن وزارتخانه بعمل آمده شایسته است دستور دهید محرکین و متحرین را بر طبق مقررات اداری و انتظامی محاکمه نموده، به حرحب درجه تنصیر و مزاحمت تنصیر و اوجیانس اخراج نمایند.

نخست وزیر
سید علی گلپایگان

رونوشت جهت اطلاع و اقدام به کلیه سازمانها و ادارات وزارت امور اقتصادی و دارایی ابلاغ میگردد.

همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند



یادرفیق غلامرضا جلالی را گرامی بداریم



رفیق رضا در سال ۱۳۳۵ در تبریز
ناهرود سابق (امام شهر فعلی) متولد شد.
از آنجا که پدرش زودگی خانواده کارگری -
این بسیار فقیرانه بود. محبوسانده که از
حاج دوران کودکی ضمن انتقال به
بعضی کارهای پرداخت در آن دبیرستان
بوده. از چمتو شدن زندگی شان آشنا شد
روح بردن و آشنایی با آن، به خودی
خود افتخار آفرینست مگر آن روح و
رحم مناسف کینه طبقاتی عمیق نیست
به دشمنان خلق نبود و نیروی عظیم
سپه در زمان رادرفیق آزادی چمتو شدن
و کارگران درستم طبعانی به حرمان اندازد.
اوانسانی با این خصوصیات بود.

رفیق بعد از اتمام دوره متوسطه در
سال ۴۹ در رشته شیمی دانشکده دانشسرای
عالی تهران مشغول تحصیل شد. او در
مبارزات صهی - ساسی دانشجویان
سرگشته، حقی می کرد تحریکات
مبارزاتی و آگاهی سیاسی خود را با اسیران
آنجا که در سال ۵۲ دستگیر شد. حضور
ساواک نتوانست اطلاعاتی از او بدست
آورد. فقط به مدت ۶ ماه به زندان
محکوم شد. شور و فوج به آزادی خلق
کسریان دوباره او را به فعالیت سیاسی
سای کسید. او از جمله رفقای بود که
در بحث تریب شرایط حقیقت و دیکتاتوری
محدوم صاه، تمام نیروی خود را صرف
سازره علیه آن کردند.
در او اواخر سپه ماه سال ۵۳ هنگامی
که در حسان مولوی تهران، هنگام
اجرای فرامحاصره می نمود مورد سوزن
وحسانه مردوران ساواک فراری می گردید
اروم می بود که فرار کند. اما
به سوس سراندازی می کشید در نتیجه
براندازی کلودانی به شکم رفیق اصابت
می شد. او به خاطر آنکه زنده به دست

کارگران حق ندارند بعد از تعطیل کارخانه در سندیکا جمع شوند

جنرال، یعنی کارخانه ای که متعلق به
سرمایه دار خونخوار "عنابت سببانی"
نمانده سابق مجلس منحل است.
در بیانیه ای که بی شباهت به "اخطارهای
ساواک" نیست از کارگران خواسته است
بعد از تعطیل کارخانه دورهم جمع
نشوند و در سندیکای رایج به برنامه های
کارگران طرح و برنامه ریزی نکنند. این
بیانیه که با عبارت پردازی های
"ساواک ما بانه" نوشته شده (و متن آن را
ملاحظه می کنید) تلاش برای بازسازی
وضع گذشته در کارخانجات و به حسب
و حوش "در آمدن عوامل گذشته است.
عافل از اینکه کارگران با استفاده از تعاریف
گذشته "درس خوبی" به این مزدوران
خواهند داد.

بازداشت یکی از رهبران اعتصابات کارکنان ذوب آهن منطقه کرمان

کرمان - دولت همراه با اقدامات
مدکارگری خود بازداشت و با اصرار
رهبران فعال اعتصابات قبل از قیام را
آغاز کرده است و به هزاران دروغ متوسل
می شود تا این برنامه خود را عملی سازد.
به دنبال بازداشت چند تن از صنعتگران و
نمایندگان کارگران در کارخانه های
دیگر، رادیو تلویزیون در اخبار روز جمعه
۲۳ تیرماه ۵۸ خبر بازداشت یکی از
رهبران فعال اعتصابات کارگران
و کارمندان ذوب آهن منطقه کرمان به نام
مجید کشتکار را پخش کرد.
دولت به خوبی آگاه بود که نامبرده
با توجه به فعالیتش در قبل از قیام و دفاع
از منافع کارگران مورد حمایت نزدیک
۱۵ هزار نفر از کارگران و کارمندان
حادن ذغال سنگ و تاسیسات دیگر ذوب -
آهن قرار دارد، برای بازداشت او به
انتهایات دروغین و بی اساس متوسل
شده اند. از جمله مطرح کرده اند که گویا او
تهدید کرده است که تاسیسات را منهدم
خواهد کرد. واقعا چه اتهام مضحکی...
چیزی که برخلاف تصور دولت حقیقی
نمی تواند لحظه ای مورد قبول کارگران
قرار گیرد و کارگران از همان آغاز بی همه
بی اساس بودن آن برده اند. بازداشت
مجید کشتکار موجب وسع ناراضی را در
بین کارگران حادن ذغال سنگ کرمان
برانگیخته است. کارگران به خوبی
می دانند که بازداشت مجید کشتکار
نتیجه توطئه های رئیس ناحیه کرمان
به نام سالور است که در دوران رژیم
شاه به خاطر خوش خدمتی هایش
رئیس قسمت فنی ناحیه کرمان و رئیس
ذوب آهن منطقه زرنده بوده است و
خواستار آزادی فوری مجید کشتکار
هستند.

گهی
چنانچه مشهود است چند نفری از کارگران بعد از تعطیل کارخانه با هم جمع
شده و به حساب خود راجع به برنامه های کارگران طرح و برنامه ریزی دارند و سایر
سندیکای جمع شده و تحت تاثیر سخنان و اعمال اجرائی برنامه های سرک گروههای ضد
انقلاب هستند و از شایعه پرانی و دروغ پردازی در این روزها لذت می برند. لذا اینچنانچه بخوانید
تأییدات و کارخانه با همه سعی و کوشش و کینه کینه است عملیات فرار بگیرند.

کمیته صحرای رفیق سببانی صحرای جنرال

شهدای کنونی اهوازا بهر بشناسیم

سید محمدعلی طباطبائی از جاسب
آقایان موسی، یحیی و سایر افراد کمیته
اسلامی اهواز به شهرداری این شهر برگزیده
شده است. تا میزده یکی از جان نثاران
رژیم "شاهنشاهی" بوده است. در زمان
رژیم گذشته مورد اعتماد سرتپ خاوری
رئیس ساواک بوده و با این سازمان کتیف
و جبهی همکاری نزدیک داشته است.
در زیر نامه ای از ایشان به چاپ
می رسد که سرسپردگی وی را به رژیم شاه کاملاً
نشان می دهد. در این نامه او می بیند
اوقاف را که در اختیار داشته است به حزب
ایران نویسنده اذکار کرده و میراث سرسپردگی
خود را به بانی انقلاب شاهنشاهی امیر
رهبر عظیم الشان ایران، ابراز کرده است.
نامه زیر آقای سید محمدعلی
طباطبائی شهردار فعلی اهواز مانسی
نوشته است که رئیس انجمن شهر "ماهشیر"
بوده است. انتصاب این شخص به سمت
شهردار اهواز نشان دهنده ماهیت کمیته
اهوازا است.

شماره: ۱۳۵۸/۱/۱۱
تاریخ: ۱۳۵۸/۱/۱۱
موضوع: ...
سازمان مستور اوقات غیرستار و رستار
رپوشه - هم سلسله گرامی خنایان اسد و سید و برهمن حزب
ایران نویسنده سلطان
رپوشه - کمیته مستور حزب. از این شهرستان مامیفر
استغناء - مطبوعه شماره ... سازمان اوقات غیرستار و رستار
در صورتیکه انقلاب سلسله ایران که حزب سرخ ایران نویسنده این انقلاب
را همه در راستا و انجامات نیز از سوز، بر من و همه سنگ از حزب باید از انقلاب
سایم با کمال حد حد به می شهوید که در مان از صل سلم خود سرطرفتیرده و بر من
مورد اجاره خود را در اجاره بر من اجاره مانه حزب و کله از همه اینه و از همه
برای انعقد حزب باید از انقلاب و بر طرفتیرده به چنانم مایه با این انقلاب
شاهنشاهی آری امیر برهمن سلطان ایران است. هم سلسله هم سلسله خود کسویا
با منسند

بانه هم احترام
سید محمدعلی طباطبائی

گرامیداشت فدائیان شهید

سپهر مرداد - روز جمعه ۱۵ مرداد
برای می به مناسبت سوس سالگرد
سپادت دوس از اعضای سازمان چریکهای
فدائی خلق رفیق گلرخ سیدسودی
یخمسرف رفیق محمد مهدی یوسفی
در سپهر مرداد، یادگاره رفیق گلرخ
برقرار نمود و حدود ۳ هزار نفر در آن شرکت
کردند.
در این مراسم، ابتدایاً سازمان
توانده بندوس شرح حال رفیق سوس
جانوده هاسان سان شد. پس از آن
مادر رفیق سوس آل آقا نزار طبر
مادران شهدا، بیامی جوان
هندان - در روز پنجشنبه
جهدرهم تیرماه بین اره ۹۵ تن از مردم
هندان در مراسم بزرگداشت رفقای شهید

چرا نمایندگان کارگران کبریت سازی توکلی را بازداشت کردند؟

تیریز پس از بازداشت نماینده
کارگران کارخانه کبریت سازی توکلی که
در اوائل تیرماه در نیمه های شب صورت
گرفت، موجی از خشم و نفرت در میان
کارگران مبارز این کارخانه برانگیخت.
اگرچه بازداشت این کارگر که خواهان
حداقل حقوق خود و سایر همکارانش
است، بیش از چند ساعت به طول
ناخامد، اما کارگران به خاطر این
بی حرمتی به نمایندگی شان، نسبت به
اعمال کمیته دستگیر کننده اعتراض کردند
و خواهان تعقیب و مجازات عادلانه این
دستگیری شدند.
علم دستگیری نماینده کارگران،
خواست کله کارگران کارخانجات کبریت
سازی تیریز منب بر تعطیل پنجشنبه و
جمعه بود. از آنجا که قرار بود تیریز
سورای مشترک نمایندگان کارخانجات
کبریت سازی روز پنجشنبه تعطیل شود
مأموران کمیته اقدام به بازداشت
نماینده کارگران کردند. گروهی از کارگران
که همان شب از حرمان دستگیری مانده
خود مطلع می شوند به کمیته مراجع
می کنند و عاملان دستگیری را محصور
می کنند پس از چند ساعت، نماینده
کارگران را آزاد کنند. روز شنبه که کمیته
کارگران اردستگیری نموده شان با حصر

مدیر عامل کشتیرانی خلیج فارس کیست؟

نامه زیر آقای توتونچی در زمانی
که رئیس کارخانه تراکتور سازی تیریز بوده
نوشته است.
ایشان که همچون دیگر همکاران خود
از حرکات انقلابی کارگران ترسیده بود
در این نامه از لشکر بیداد پادشاهان
نظامی تیریز و حومه (که توسط دادگاه
انقلاب به اعدام محکوم گردید و به سزای
اعمال خائنه خود رسید) خواهانند
که یک هفته پس از قتل عام ۱۷ شهریور
برای سرکوب کارگران، به کارخانه
تراکتور سازی تیریز نیرو اعزام کنند.
آقای توتونچی نیز مثل بسیاری از
مستولان امر، پس از قیام مردم ایران و به
روی کار آمدن دولت موقت ترقی کرده و
اکنون مدیر عامل شرکت کشتی سازی خلیج
فارس است.

تاریخ: ۱۳۵۸/۱/۱۱
شماره: ۵۷/۱/۱۱
موضوع: ...
تیمار سرلشکر به آمانی برانداز نشان تیریز و حومه
استغناء - بیروت مذاکره حسینی نمایندگان شرکت و با استغناء از ذریع کار
کارخانه در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۱ (پس از پایان سخنرانی) چون این کار موجب
برود کارکنان بکارخانه عده ای از افراد ادم به نامها برانندند منس است
دستگیری با استغناء از ذریع تعدادی از این افراد نشان این افراد را در
ساعت ۱۹ روز جمعه ۱۳۵۸/۱/۱۱ (بعد از وارد ساعت قبلا از ذریع کار) در
کارخانه حصر و دست و بازداران حدیث همکاران را نیز با بنایند.

بازمانده فراتر از ایران
(استاد بزرگوار)

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و وابستگانش